

{فرهنگ عمومی}

{به نام حق}

{ناهید خوشنویس}



درس: فرهنگ عمومی

مدرس: ناهید خوشنویس

دانشگاه جامع علمی کاربردی فرهنگ و هنر { واحد 15 }

بهار 1404

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

معمولاً علوم را به دو شاخه عمده تقسیم می کنند که یکی را علوم طبیعی و دیگری را علوم اجتماعی می گویند

علوم طبیعی یا علوم تجربی دانش هایی هستند که موضوع آن ها بررسی ویژگی های فیزیکی طبیعت (به معنای وسیع آن، یعنی همه جهان) است. به این معنا علوم طبیعی از علوم انسانی متمایز است. علوم طبیعی با بررسی پدیده های مادی سر و کار دارند ولی علوم اجتماعی عرصه پهنای رفتار انسانی را بررسی می کنند. جامعه شناسی یک علم اجتماعی است

1- علوم طبیعی (بررسی ویژگی های طبیعت همه جهان است.

تاریخ فیزیولوژی بدن ما

علوم به دو پایه تقسیم می شود 2- علوم اجتماعی (عرصه پهنای رفتار انسانی است .

جامعه ما ، بیکاری اعتیاد، آسیب های اجتماعی ، روح و روان انسان

مرتبط باشد.

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

تعریف جامعه‌شناسی

جامعه‌شناسی بخشی از علوم اجتماعی و دانش بررسی جامعه (پدیده اجتماعی) است. این رشته علمی به بررسی جوامع بشری، برهم‌کنش‌های آن‌ها، و فرایندهایی که جوامع را در وضعیت جاری‌شان نگاه داشته یا تغییر می‌دهد می‌پردازد. هدف این حوزه علمی پرداختن به تجزیه جامعه به بخش‌های تشکیل دهنده‌اش مانند انجمن‌ها، نهادها، گروه‌های هم‌جنس، هم‌نژاد، یا هم‌سن، و بررسی نحوه برهم‌کنش فعال این اجزاء با هم‌دیگر است.

علاوه بر این‌ها، این علم موضوعاتی مانند طبقه اجتماعی، قشربندی، جنبش اجتماعی، تغییرات اجتماعی و بی‌نظمی‌هایی مانند جرم، انحراف و انقلاب را مورد تحقیق قرار می‌دهد. ((

تاریخچه ابوزید عبدالرحمن بن محمد بن خلدون تاریخ‌نگار، جامعه‌شناس، مردم‌شناس و سیاست‌مدار مسلمان است. وی را از پیشگامان تاریخ‌نگاری به شیوه علمی و از پیشگامان علم جامعه‌شناسی می‌دانند که حدود ۴۰۰ سال پیش از آگوست کنت می‌زیست. ابن خلدون این علم جدید را عمران نام نهاد چنان‌که نظر می‌آید که رگه‌های نگرش علمی به جامعه پیش از آگوست کنت در اندیشه‌های کسانی در شرق و غرب وجود داشته است. اما دانش جامعه‌شناسی به دست کنت زاده شده است. غلامحسین صدیقی با عنوان استاد دانشکده علوم اجتماعی را پدر علم جامعه‌شناسی در ایران دانسته‌اند.

تقسیم بندی جامعه شناسی

الف؛ جامعه شناسی از لحاظ روش: نخستین تقسیم بندی جامعه شناسی به وسیله آگوست کنت پایه گذار این دانش به عمل آمده است

وی جامعه شناسی را که در آن زمان، بسیاری از علوم اجتماعی را شامل می شد، در ارتباط با زمان و مکان به دو بخش زیر تقسیم کرده است

جامعه شناسی ایستا یا سکونی

این بخش از جامعه شناسی ، جامعه را در زمان محدود و مکان معینی مورد پژوهش قرار می دهد که به علت تشریح شباهت دارد و به مطالعه چگونگی سازمان یافتن و ترکیب عناصر متفاوت پیکر اجتماعی می پردازد . جامعه شناسی ایستا از یک سو ساخت اجتماعی جامعه را در لحظه ای معین بررسی می کند و از سوی دیگر به تحلیل عنصر یا عناصری که جامعه را تشکیل می دهد می پردازد. در این بررسی جامعه به مثابه یک ارگانیزم در نظر گرفته می شود که کارکرد یک عضو که جزئی از ارگانیزم است بررسی می شود. مانند تحقیق در زمینه طبقه متوسط یک جامعه در لحظه کوتاهی از زمان.

2) جامعه شناسی پویا یا حرکتی:

جامعه شناسی پویا، اجتماع را در زمان و در حال حرکت، بررسی میکند و تغییرات آنرا مورد تحقیق قرار می دهد و علل آثار و نتایج آن را تبیین می کند.

مثلاً به مطالعه خانواده ایرانی از آغاز تا کنون می پردازد و دگرگونیهای آن را مشخص می کند و علل این دگرگونی ها را بیان نموده و در این تحقیق از تاریخ استفاده می کند.

ب؛ جامعه شناسی از لحاظ هدف

-جامعه شناسی از لحاظ هدف پژوهشهای اجتماعی هم به دو گونه تقسیم شده است:

1- جامعه شناسی نظری

2-جامعه شناسی کاربردی (عملی)

1- -جامعه شناسی نظری :

هدف این رشته از جامعه شناسی که جامعه شناسی محض یا ناب هم نامیده می شود، شناسایی پدیده های اجتماعی و کشف علل و آثار و نتایج آن است بدون اینکه فایده آنی آن مورد نظر باشد. هرچند در نهایت برای معارف بشری سودبخش خواهد بود، ولی جامعه شناسی نظری بیشتر سعی دارد براساس نظریه های جامعه شناختی موجود دامنه این دانش را گسترش دهد و بردانش بشری در شناخت بیشتر دنیای خارج بیفزاید.

2-جامعه شناسی کاربردی (عملی)

هرچند جامعه شناسی در مطالعات خود خواه ناخواه به گسترش معارف بشری کمک می کند، ولی هدف مستقیم آن بیشتر این است که از تحقیقات در جهت رفع دشواریهای زندگی اجتماعی از سان به طور عملی استفاده شود. در سالهای اخیر این گونه پژوهشها در اجتماعات مختلف روستایی و شهری در بسیاری از کشورها رواج زیادی پیدا کرده است.

ج:جامعه شناسی از لحاظ قلمرو:

جامعه شناسی از لحاظ قلمرو و وسعت جامعه مورد بررسی به دو بخش تقسیم می شود.

1) جامعه شناسی خرد

2) جامعه شناسی کلان یا جامعه شناسی بزرگ؛

1-جامعه شناسی خرد

در طول سی سال اخیر جامعه شناسی خرد به عنوان یکی از شیوه های بررسی جامعه شناختی گروههای کوچک مورد استفاده قرار گرفته است . کاربرد این شیوه در مطالعه گروههای کوچک نشان می دهد که جامعه شناسان میان گروه کوچک و گروه بزرگ با تفاوتهایی دست یافته اند. در جامعه شناسی خرد ابتدا صورتهای مختلف «اجتماعی بودن انسان» مورد بررسی قرار می گیرد. و نوع

علائق و روابطی که مایه پیوستگی افراد است و آنان را در قالب اجتماعی به هم پیوند می دهد تبیین می شود.

2) جامعه‌شناسی کلان یا جامعه‌شناسی بزرگ؛

به بررسی نظام های کلی اجتماعی نظیر نظام فئودالی، نظام سرمایه داری و مانند آنها می پردازد و سعی دارد علل تطور و دگرگونیهای آنها را آشکار سازد و قوانین عمومی حاکم بر این نظام ها را تبیین کند.

د:جامعه شناسی از لحاظ موضوع

جامعه شناسی در دنیای امروز دارای زمینه های متعدد و گوناگونی برای مطالعه و پژوهش می باشد. در نتیجه تقسیم کار، تخصص های زیادی به وجود آمده است و هر کدام از جامعه شناسان در زمینه و موضوع خاصی به مطالعه و تحقیق می پردازند. امروزه زمینه های مطالعه جامعه شناسی روز به روز به فزونی است. مانند دانش پزشکی که موضوعش بتدریج گسترش یافته و تخصص های زیادی به وجود آمده است. در این علم نیز هر کدام از متخصصان، در زمینه محدود و معینی به کار می پردازند.

{فرهنگ عمومی}

{به نام حق}

{ناهید خوشنویس}

برخی از شاخه های جامعه شناسی عبارتند از:

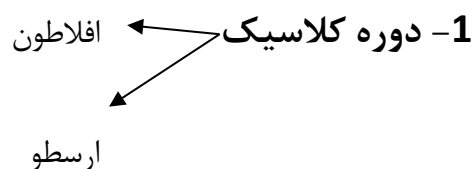
- ❖ جامعه شناسی شهری،
- ❖ جامعه شناسی روستایی،
- ❖ جامعه شناسی خانواده،
- ❖ جامعه شناسی صنعتی،
- ❖ جامعه شناسی کار،
- ❖ جامعه شناسی وسایل ارتباط جمعی،
- ❖ جامعه شناسی سیاسی،
- ❖ جامعه شناسی ادبیات،
- ❖ جامعه شناسی معرفتی،
- ❖ جامعه شناسی جنگ،
- ❖ جامعه شناسی حقوقی،
- ❖ جامعه شناسی جوانان،
- ❖ جامعه شناسی دینی،
- ❖ جامعه شناسی فقر و...

تحول فرهنگ به لحاظ تاریخی:

دستیابی به تعریف فرهنگ، بدون توجه به تحول آن طی زمان ممکن نیست. بدین لحاظ لازم است تا تاریخ مفهوم فرهنگ در دوره های متعدد بیان شود تا جایگاه آن در مجموعه علوم انسانی و اجتماعی روشن گردد.

مفهوم فرهنگ در گذر زمان دچار تغییرات بسیاری شده است. این مفهوم در آغاز مفهومی ادبی بوده و سپس همراه با دیگر مفاهیم علوم اجتماعی مطرح و مهم شده است. بعد از به رسمیت شناخته شدن این مفهوم در رشته ها و حوزه های علوم مطرح و طرفداران و مخالفانی یافته است.

تاریخچه جامعه شناسی



2- افلاطون

3- ارسطو

4- قرون وسطی

5- سن اگوستین

6- دوره اسلام

7-ابونصر فارابی

8-ابن خلدون

9- دوره معاصر

10-کارل مارکس

11-امیل دورکیم

1) دوره کلاسیک

افلاطون:

از اولین متفکرانی است که نظریه منظمی درباره جامعه در کتاب جمهوریت ارائه کرده است. او برای اولین بار به موضوع نظم اجتماعی توجه کرده و به خصلتهای جهان شمولی و طبیعی آن اشاره می کند همچنین به تحلیل کارکردی تقسیم کار و ضرورت آن برای دوام نظام اجتماعی اشاره می کند. افلاطون در رابطه با نقش انسان در پیشرفت جامعه معتقد است که انسان از طریق استعداد دیالکتیکی ((شیوه صحیح فکر کردن و عمل کردن) می تواند موقعیت موجود و طبیعی را به موقعیت مطلوب و ایده آل تبدیل کند یعنی امکان تحقق مدینه فاضله.

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

بر اساس افکار افلاطون شش فرضیه اساسی وارد جامعه شناسی شد

که موجب تکامل نظریات جامعه شناسی گردید

1) جامعه مانند موجود زنده است و از حیات خاصی بر خوردار است لذا برای دوام و بقا باید

نیازهای اساسی او بر طرف گردد مانند داشتن نظم و قانون

2) موجودات زنده یعنی انسان و جامعه پیوسته در صدد بقا هستند

3) انسان به صورت گروهی و اجتماعی قادر به بقاست و تقسیم کار اجتماعی ضامن بقا و دوام

و تکامل اجتماعی است .

4) انسان موجودی اجتماعی است و با کمک فرهنگ مشترک با بقیه اعضای جامعه در

ارتباط است این فرهنگ محصول اندیشه و آگاهی اجتماعی انسانها است . افلاطون

فرهنگ را تفکر اجتماعی می نامند

5) هر جامعه دارای یک نظم اجتماعی است . موضوع نظم یکی از موضوعات مهم جامعه

شناسی کارکرد گرایی است

6) این نظم و ثبات اجتماعی قابل مشاهده و تشخیص است

ارسطو(از 18 سالگی شاگرد افلاطون)

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

ارسطو اثر خود «سیاست» را با تعریف موضوع آن، یعنی شهر یا اجتماع سیاسی، آغاز می‌کند. چنین آغازی مستلزم آن است که او هدف شهر را شرح دهد. (واژه یونانی شهر، polis است که به ما واژگان انگلیسی politic و policy را می‌دهد).

توجه داشته باشید که ارسطو اجتماع سیاسی را به شیوه‌ای که ما عموماً تعریف می‌کنیم – یعنی توسط قوانینی که اجتماع از آن‌ها پیروی می‌کند یا توسط گروهی که قدرت را در دست دارد و یا به عنوان واحدی که قلمرویی خاص را تحت تسلط خود دارد – مورد توجه قرار نمی‌دهد. در عوض او آن را به عنوان نوعی مشارکت (Partnership) تعریف می‌کند. شهروندان یک جامعه سیاسی با یکدیگر شریک هستند، و همانند هرگونه اجتماع دیگری به دنبال امر خیری هستند. برای ارسطو معتبرترین یا بالاترین امر خیر فضیلت و شادی شهروندان است، و هدف شهر این است که این امکان را برای شهروندان فراهم کند تا به فضیلت و شادی دست یابند. وقتی او از شهر ایده‌آل سخن می‌گوید، اذعان می‌کند که «فضیلت هر شهر وابسته به آن است که افرادی که در حکومت شرکت دارند دارای فضیلت باشند. و در کشور ما، همه افراد در کار حکومت شریکند». در دستیابی به این فضیلت که امتیاز فردی است، در حقیقت این هدف مشترک فضیلت است که از یک شهر، شهر می‌سازد.

2) قرون وسطی دوران تاریکی اروپا

در قرن پنجم میلادی و با سقوط دولت روم، جهان مغرب‌زمین وارد دورانی شد که از آن با نام قرون وسطی یاد می‌شود. این دوره تقریباً از قرن پنجم تا قرن چهاردهم میلادی ادامه یافت. در نیمه اول این دوره که معمولاً آن را «عصر تاریکی» می‌خوانند آموختن و اندیشیدن در اروپای غربی، تقریباً ناپدید شد.

اسکولاستیک

در این دوران مسیحیت به عنوان یک مکتب کلی بر تمام جامعه سیطره انداخته و هیچ حرکتی خارج از این مسئله قابل تبیین نیست. دین نوعی اقتدار همه گیر دارد حوزه سیاست، اقتصاد، جامعه و فرهنگ و افراد را تحت نظارت و کنترل دقیق خود دارد

در قرن ۱۱ تا ۱۷ میلادی، در مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌های رسمی که تحت نظارت کشیشان بود –

این شیوه‌ی تفکر ترویج می‌شد که: علم، باید در خدمت مسیحیت باشد. در غیر این صورت باطل است و مفید نیست. این کار به شیوه‌های مختلفی انجام می‌شد:

یکی اینکه دستورات و انتظارات و باورها و احکام کشیشان مطرح می‌شد و سپس باید داند شجویان و دانشمندان به شکلی تحقیق و تحلیل می‌کردند که به همان نتایج برسند. دیگر اینکه، کشیشان در بین علوم مختلف، شاخه‌هایی را که دستاوردهای مفید – در خدمت کلیسا –

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

داشت، مورد حمایت قرار می‌دادند و درس‌ها و بحث‌ها و علمی که نتایج آنها می‌توانست برای کلیه مسلمانان مضر باشد را حذف و پالایش می‌کردند و به این شکل، تقویم درسی مدرسه‌ها و آکادمی‌ها چیده می‌شد.

سن اوگوستین: مارکوس اورلیوس اوگوستینوس معروف به اوگوستین قدیس (Saint Augustinus) از تأثیرگذارترین فیلسوفان و اندیشمندان مسیحیت در دوران باستان و اوایل قرون وسطی محسوب می‌گردد. دولت بازاری کلیسا و فرد باید از دولت اطاعت کند مگر دستوراتش مخالف مذهب باشد در این صورت سرپیچی از آن واجب است

دوران طلایی اسلام: دوره طلایی اسلام یا عصر شکوفایی و ترقی اسلامی، دوره‌ای در تاریخ اسلام است که به طور سنتی از قرن هشتم تا قرن 13 میلادی به طول انجامیده است خصوصاً قرن 4 و 5 هجری قمری و طی آن بسیاری از جهان تاریخی اسلامی تحت سلطه خلفا قرار گرفتند و توسعه علم، اقتصادی و کارهای فرهنگی شکوفا شد هنرمندان، صنعت‌گران، فیلسوفان، دانش‌پژوهان، شاعران، جغرافی‌دانان، مهندسان، نویسندگان، شیمی‌دانان، فیزیک‌دانان، پزشکان، بازرگانان و دیگر دانشمندان جهان اسلام، نقش به‌سزایی در رشد، پیشرفت و تکامل دانش‌ها و فنون از قبیل کشاورزی، هنر، اقتصاد، صنعت، حقوق، ادبیات، دریانوردی، فلسفه، شیمی، فیزیک، جامعه‌شناسی، پزشکی و غیره ایفا کردند.¹ دانشمندان مسلمان در دوران طلایی اسلام پایه‌گذار علم نجوم و ستاره‌شناسی در جهان بودند.¹ یکی از دلایل رشد و شکوفایی اروپا در قرون وسطی، بهره‌گیری آنان از کتاب‌های دوران طلایی اسلام بود

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

ابونصر محمد بن محمد فارابی زاده ۲۵۹ قمری / ۸۷۲ م. در فاراب - درگذشته ۳۳۹ قمری / ۹۵۰ م. در دمشق سوریه از بزرگترین فلاسفه و دانشمندان ایرانی عصر

طلایی اسلام است

- 1) انسان فطرتاً اجتماعی است. و برای رشد باید با هم و کنار هم زندگی کنند
- 2) سعادت بشر در استقرار حکومت واحد جهانی است. پس نیاز به رهبری با عدالت است
- 3) اندام و شش انگاری (جامعه مانند اندام انسان) جامعه باید رهبر داشته باشد 3 قوه داشته باشد مانند بدن انسان که هم باید قلب داشته باشد هم چشم هم گوش هم دست و پا و کلاً همه اعضای بدن با کمک هم همه کارهایشان را انجام می دهند.
- 4) خلق و خوی انسان تحت تاثیر شرایط جغرافیایی و اقلیمی و تنوع آب و هواست. پس دارای گوناگونی اخلاق هستیم

-ابونصر فارابی از دانشمندان عصر طلایی اسلام که در دمشق سوریه بود ابونصر محمد بن

فارابی بود.

ابن خلدون - ابن خلدون علم ابن خلدون چه نام داشت؟ عمران

خانه به دوشی : همان کوچ نشینان هستند

شهرنشینی : کسانی که در شهر زندگی میکنند .

انواع نظام ابن خلدون

مراحل تشکیل دولت ها

مرحله نخستین دوران پیروزی به هدف و طلب و چیرگی بر مدافع و مخالف و استیلا

یافتن بر کشور و گرفتن آن ازدست دولت پیشین است

مرحله دوم دوران خودکامگی (حکومت مطلق) و تسلط یافتن برقبیله خویش و مهار کردن آنان

مرحله سوم دوران آسودگی و آرامش خدایگان دولت، برای برخورداری و بدست آوردن

نتایج و ثمرات پادشاهی

مرحله چهارم دوران خرسندی و مسالمت جویی است و رئیس دولت در این

مرحله ، به آنچه گذشتگان وی پایه گذاری کرده اند قانع می شود و با پادشاهان همانند

خویش مسالمت جوئی در پیش می گیرد و در آداب و رسوم و شیوه سلطنت به تقلید از

پیشینیان خویش می پردازد و کلیه اعمال ایشان را گام به گام دنبال می کند.

مرحله پنجم دوران اسراف و تبذیر است

و رئیس دولت در این مرحله، آنچه را که پیشینیان او گرد آورده اند ، در راه شهوت

رانیها و لذایذ نفسانی و بذل و بخشش بر خواص و ندیمان خویش در محفلهها و

مجالس عیش تلف میکنند

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

و یاران و همراهان بد و نابکاری بر می گزیند و کارهای بزرگ و مهمی را که از عهده انجام دادن آنها بر نمی آیند به ایشان می سپارد، کسانی که به آنچه انجام می دهند و فرو می گذارند آشنایی ندارند

دوره معاصر کارل مارکس (درگذشته ۱۴ مارس ۱۸۸۳ در لندن، انگلستان) متفکر انقلابی، فیلسوف، جامعه‌شناس، تاریخدان، اقتصاددان آلمانی و از تأثیرگذارترین اندیشمندان تمام اعصار است

(1) اقتصاد عامل تعیین کننده در ساخت و توسعه جامعه است

(2) از خود بیگانگی - سرمایه داران بین کار و کارگر جدایی می اندازند

انواع خودکشی

(1) خودکشی دگر خواهانه

(2) خودکشی ناشی از بی هنجاری

(3) خودکشی جبری

انواع خودکشی

((خودکشی دگر خواهانه : خودم را می کشم برای دیگران خودش را فدای دیگر می کند مثل جاسوس ها را

که می گیرند بلافاصله قرص می خورند و خودکشی می کنند

خودکشی ناشی از بی هنجاری : جامعه به هم می ریزد و مشکلاتی در جامعه ایجاد می شود و فرد نتواند

تحمل کند مثل زلزله شدن در جامعه و فرد هم چون همه خانواده اش را از دست داده دست به خودکشی میزند .

جبری : کسی که در زندگی نه راه پیش دارد و نه راه پس))



جامعه‌شناسی فرهنگی: علمی که به مطالعه فرهنگ حاکم بر جوامع و مطالعه علمی زندگی گروهی انسان‌ها و به عنوان ویژگی و مشخصه انسان در مقابل سایر موجودات می‌پردازد. در این علم با نگرشی جامعه‌شناسانه، شیوه زندگی در جوامع مختلف دنیا را مورد بررسی قرار می‌گیرد. جامعه‌شناسی فرهنگی در صدد است تا با مطالعه علمی جامعه و فرهنگ چگونگی تغییر و تحول و یا مقاومت در برابر تغییرهای سریع، کارکرد عناصر فرهنگی، علل پیامدها و نتایج تغییر و تحول فرهنگی نائل شود.

حوزه‌های جامعه‌شناسی فرهنگی:

جامعه‌شناسی فرهنگی به تمام ابعاد و جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، مذهبی، اقتصادی، هنری و ... جامعه توجه دارد. تغییر در هر یک از جنبه‌ها و ابعاد مذکور می‌تواند موجب تغییر در سایر ابعاد و جنبه‌ها شد و همچنین، چنانچه برخی از ابعاد و جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، مذهبی، اقتصادی، هنری و ... متناسب و متوازن با سایر ابعاد، تغییر پیدا نکنند و خودشان را با تغییرات سایر جنبه‌ها تطبیق ندهند، جامعه نه تنها در آن بعد خاص که در کلیت خود دچار مشکل و اختلال در کارکرد عناصر فرهنگی، سیاسی، مذهبی و ... می‌شود. به عنوان مثال، جامعه از نظر تکنولوژیکی و اقتصادی دچار تحولات اساسی شود ولیکن نهادهای خانواده یا تعلیم و تربیت به صورت سنتی باقی مانده و نتوانند خود را با تحولات ایجاد شده تطبیق دهند.

برخی از حوزه های جامعه شناسی فرهنگی عبارتند از:

جامعه شناسی فرهنگی و توسعه
 جامعه شناسی فرهنگی و فرهنگ پذیری
 جامعه شناسی فرهنگی و اقوام و ملل
 جامعه شناسی فرهنگی و مهاجرت نخبگان
 جامعه شناسی فرهنگی و مهاجرت به کلان شهرها
 تکنولوژی و فرهنگ
 برنامه ریزی فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ...
 تغییر و تحول فرهنگی
 کارکردهای پنهان و آشکار تحولات صنعتی و تکنولوژیکی
 جامعه شناسی فرهنگی و نظام خویشاوندی
 گروه های اجتماعی و قشر بندی
 دگرگونی در سکونت و جمعیت
 تنوع فرهنگی و وابستگی متقابل جوامع
 آموزش و پرورش، ارتباطات و رسانه ها
 جامعه شناسی فرهنگی، کار و زندگی اقتصاد
 جهانی شدن زندگی اجتماعی
 شهرنشینی

تعریف جامعه چیست ؟ مجموعه ای از انسان ها هستند که با سنن و آداب و قوانین با هم

می باشند و زندگی دسته جمعی را در جامعه تشکیل می دهند و یک عده آدم کنار هم زندگی می کنند

که بینشون نظم و قانون و تقسیم کار وجود داشته باشد . در یک جامعه سیاست ، اقتصاد ، مسئله

فرهنگی داریم یک جامعه اگر قراره به توسعه برسد اینها همه باید در یک کفه ترازو باشند اگر از لحاظ

فرهنگی پیشرفت می کنیم از لحاظ اقتصادی هم باید پیشرفت کنیم ، اگر از لحاظ مذهب پیشرفت می

کنیم باید از لحاظ سیاسی هم پیشرفته داشته باشیم همه ملت باید در جامعه با هم باشند . در مورد تقسیم

کار هم باید همه نیاز هم را برطرف کنیم مثلا در یک جامعه هم به پزشک احتیاج داریم هم به نانوا احتیاج

داریم هم به مهندس احتیاج داریم و

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

عوامل دگرگونی فرهنگی :

تکنولوژی : دگرگونی های سریع تکنولوژی بیشتر در کشورهای صنعتی پیشرفته رخ می دهد هرچه دگرگونی های تکنولوژیکی سرعت و شتاب بیشتری پیدا کند دگرگونیهای فرهنگی ناشی از آن بیشتر شود

محیط طبیعی : دگرگونیهای ناگهانی و شدید در محیط طبیعی کمتر رخ می دهد اما در صورتی که رخ دهند تأثیر عمیقی بر جای می گذارند

دگرگونی در جمعیت : هر گونه دگرگونی عمده در شمار و توزیع جمعیت یک کشور همواره دگرگونیهای اجتماعی متناسب با خود را به دنبال دارد افزایش جمعیت ممکن است منجر به مهاجرت یا بهبود وضع تولید گردد و این به خودی خود ممکن است به دگرگونی اجتماعی بینجامد

نیازهای شناخته شده : شرط دگرگونی اجتماعی این است که جامعه نیازهای خود را بشناسد نیازها جنبه روانی و ذهنی دارد و همینکه اوضاع عوض شود نیازهای تازه پدیدار می گردد

تکنولوژی و جامعه شناسی

تکنولوژی یا فناوری یعنی شیوه استفاده از ابزار برای رفع نیاز موجود در زمان

فناوری در طول تاریخ تغییرات زیادی به خود دیده است .

اما این تغییرات از دو وجه متمایز برخوردار بودند :

1 – ابزار دستی یا یدی :

که به مرور زمان جای خود را به افزار فکری و اندیشه ای داده اند

2- زندگی برای بشر روزبه روز آسان تر شده است

در برابر فناوری چه باید بکنیم

فناوری به دوشکل به وجود می آید :

1- درون زا : یعنی بر اساس نیاز جامعه ما وارد یا ساخته می شود .

2- برون زا ، فناوری که بدون در نظر گرفتن نیاز های بومی وارد یا ساخته می شود .

در هردو بخش درون زا و برون زا آنچه را که می تواند فرهنگ ما را محافظت نماید
رواست که ترویج دهیم و استفاده کنیم و آنچه را که به فرهنگ ما ضربه می زند را
باید در مقابلش مقاومت کنیم

. امری که متأسفانه تحقق آن در هاله ای از ابهام است

جامعه

مجموعه ای از افراد انسان که با نظامات و سنن و آداب و قوانین خاص به یکدیگر پیوند خورده و زندگی دسته
جمعی دارند، جامعه را تشکیل می دهند.

زندگی دسته جمعی این نیست که گروهی از انسانها در کنار یکدیگر و در یک منطقه زیست کنند
و از یک آب و هوا و یک نوع مواد غذایی استفاده نمایند. درختان یک باغ نیز در کنار یکدیگر

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

زیست می کنند و از یک آب و هوا و یک نوع مواد غذایی استفاده می نمایند، همچنانکه آهوان یک گله نیز با هم می چرند و با هم می خرامند و با هم نقل مکان می کنند. اما نه درختان و نه آهوان هیچ کدام زندگی اجتماعی ندارند و جامعه تشکیل نمی دهند.

زندگی انسان که اجتماعی است به معنی این است که (ماهیت اجتماعی) دارد از طرفی نیازها، کارها و فعالیتها ماهیت اجتماعی دارد و جز با تق سیم کارها و تق سیم رفع نیازمندیها در داخل یک سلسله سنن و نظامات میسر نیست، از طرف دیگر نوعی اندیشه ها، ایده ها، خلق و خویها بر عموم حکومت می کند که به آنها وحدت و یگانگی می بخشد، و به تعبیر دیگر، جامعه عبارت است از مجموعه ای از انسانها که در جبر یک سلسله نیازها و تحت نفوذ یک سلسله عقیده ها و ایده ها و آرمانها در

جامعه: آدمها همدیگر را نمی شناسند کسی برای کسی کار نمی کند روابط رسمی است و طبق قانون و مقررات با هم رفتار می کنند.

عوامل پایداری جامعه

1) اهداف معین

2) تقسیم کار

3) وجود ارزش ها و هنجارهای جامعه

4) کنترل اجتماعی

گماینشافت و گزلفاشت یا اجتماع و جامعه (به آلمانی):

Gemeinschaft und Gesellschaft

جامعه‌شناس آلمانی، فردیناند تونیس اند اجتماع **Community** و **Society** و جامعه

اجتماع بیان‌گر همان اجتماعاتی است که در پیدایشاتجدد به صورت یک خانواده بزرگ یا قبیله و قوم تجلی می‌کرد و جلوه‌هایی از آن در روزگار تجدد نیز دیده می‌شود. در عین حال گماینشافت و گزلفاشت را می‌توان به عنوان دو روی یک سکه و دو نوع روابط اجتماعی هم‌زمان هم تعبیر کرد روابط اجتماعی در **اجتماع** بر پایه عاطفه، سنت، خویشاوندی و دوستی قرار دارد. به عبارت دیگر پایه طبیعی اجتماع (در آداب عامیانه، عرفیات و تصورات طبقه عوام وجود دارد.. بر عکس هر جا که شهرنشینی شکوفه می‌کند و ثمر می‌نشیند **جامعه** به عنوان ابزار ضروری آن ظاهر می‌شود)

سیر تحول جامعه انسانی

(1) جامعه شکار

(2) جامعه شبانی (تسلط بر حیوانات)

(3) بوستانکاری (استفاده از بیلچه)

(4) جامعه کشاورزی (تسلط بر زمین)

(5) جامعه صنعتی (قرن 18 انقلاب صنعتی)

1-دروه جامعه شکار : انسان برای اینکه زندگی اش را تأمین کند

حیوانات را شکار می کند پس انسان آمد بر حیوانات تسلط پیدا کرد.

2-جامعه شبانی :تسلط بر حیوانات: انسان می تواند اول این حیوانات را، رام کند و بعد

تسلط بر حیوانات داشته باشد و از شیر حیواناتی چون گوسفند و گاو استفاده کند.

سیر تحول**3-بوستانکاری :استفاده از بیلچه** بوستانکاری را خانمها کشف کردند وقتی دیدن**جامعه انسانی**

یک دانه در زمین دارد رشد می کند.

4-جامعه کشاورزی (تسلط بر زمین)**5-جامعه صنعتی (قرن 18 انقلاب صنعتی) مسلط بر ماشین****6- جامعه فراصنعتی : استفاده از کامپیوتر**

-جامعه صنعتی : آدمهایی که در روستا بودند آمدند در شهرها و کارخانه ها روستاییان برای جابجایی

وسایل روزمره شان از آسیب از خر و الاغ استفاده کردند . از روستا مهاجرت کردند و انسانها آمدند

دستگاهها و ابزارهایی درست کردند و مهاجرت انسانها از روستا به شهرها **تکنولوژی** ایجاد شد جامعه

ایی بود که از ماشین ها استفاده می کردند برای کارها ، در جامعه صنعتی با ابزار آلات کار داشتیم.

جامعه فرا صنعتی : نظریه دانیل یک دوره ایی بود که آدمها زمین را می کنند الاعان قدرت دست

اطلاعات است همه کار را کامپیوتر انجام می دهد .

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

دوره فوردسیم: ماشین: کارگرها بخاطر اینکه خوب کار می کردند خیلی پولدار هم بودند برای اینکه کارمند را سمت خودشان بکشند خوب حقوق می دادند و کارگرها هم در کارخانه ها خوب کار می کردند. بو ستانکاری با کشاورزی چه فرقی دارد؟ بو ستانکار با بیل و بیلچه کار می کنند و قتیکه کشاورزی پیشرفته شد و با بیل برقی و الکترونیکی کار می کردند و کار سریع تر انجام می شود.

دوره پست فوردیسم: دیگر کارخانه ها کارگر ندارند دستگاه ها بجای کارگرها کار انجام می دادند و کارگرها بیکار می شدند و کارگرها رفتند و پرستار و رفتگر و غیره شدند. علم را یاد بگیریم اطلاعاتی پیدا کنیم اگر علم نداشته باشیم این دوره خدماتی می شود.

اطلاعاتی: عملش را پیدا کنیم مثلا حقوقدانها، پزشکان، محققان، حسابداران کسانی که کسب علم کردند و در مراتب بالاتر قرار گرفتند.

خدماتی: افرادی که نتوانستند اطلاعات پیدا کنند و در فقرشان ماندند مثل: رفتگران، خدمتکاران، و

اجتماعی شدن یا جامعه پذیری

اجتماعی شدن یا جامعه پذیری مفهومی است که به تو صیف و تبیین چگونگی رفتارهایی می پردازد که فرد را قادر می سازد تا با فرهنگ جامعه خودش سازش یابد. در واقع، جامعه پذیری «فرآیندی است که بر اساس آن، فرد به اکتساب قوانین، رفتار و نظام باورها و بازخوردهای جامعه یا گروه مشخصی دست می یابد تا بتواند در درون آن جامعه زندگی کند» در جامعه پذیری، جامعه به القای ارزش ها و هنجارهای خویش به افراد نائل می آید. از طریق اجتماعی شدن، فرد شیوه های زندگی جامعه خود را فرا می گیرد؛ شخصیتی کسب می کند و آمادگی رفتار به عنوان عضوی از یک جامعه را پیدا می کند. او یاد می گیرد

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

خودش را با سیستم جدید انطباق داده و رفتاری مطابق با انتظارات جامعه انجام دهد در واقع، انسان در فرآیند جامعه پذیری است که از طریق کنش های متقابل اجتماعی، شیوه راه رفتن و گفتن را می آموزد و به تدریج به کسب تجربه های مختلف می پردازد در این میان، جامعه نه تنها برای بقای خود، افراد جامعه را به شیوه های گوناگون آموزش می دهد تا آنها نمادها، الگوها، ارزش ها و هنجارهای اجتماعی را در روابط متقابل خود به کار بگیرند، بلکه در تلاش است تا با دگرگونی هایی که در نظام اجتماعی و ترکیب افراد جامعه به علت مرگ و میر، زاد و ولد و مهاجرت رخ می دهد، به خود سازی و نو سازی خویش پردازد تا از این طریق، درونی شدن عناصر اجتماعی در افراد جامعه امکان پذیر شود. برای اینکه جامعه دارای انسجام و دوامی معقول باشد، باید دارای اجماع و وفاق کافی باشد. انسجام و دوام بیشتر جامعه بستگی به میزان جامعه پذیری افراد دارد. اگر جامعه عناصر اجتماعی و فرهنگی خود را در مسیر خواسته های اجتماعی - اقتصادی افراد جامعه قرار دهد و با نیازهای آنها هم گامی کند، آموزش و جامعه پذیری افراد به سهولت انجام می شود. در غیر این صورت، ناسازگاری ها و ناکامی ها بروز خواهند کرد به طور کلی، روند اجتماعی شدن، چنین مطرح می کند که بین شخص و جامعه نه تنها تضاد و جدایی نیست، بلکه تداوم و تداخل وجود دارد و مجازات ها بخشی از روند اجتماعی شدن هستند. به این شکل که عوامل اجتماعی کردن برای آنکه بر درونی کردن هنجارها تأکید کنند، از مجازات ها استفاده می کنند. به عبارت دیگر، آثار اجتماعی شدن با تأکید بر مجازات ها گسترش و دوام می یابد و اجتماعی شدن باعث می شود تا نقش ها و مجازات ها بخش جدایی ناپذیری از شخصیت

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

فرد شوند؛ به نحوی که ارتباط رفتار با هنجارها نه تنها پذیرفته شود، بلکه به وسیله خود فرد جست و جو شود

عوامل و کارگزاران جامعه پذیری

عوامل جامعه پذیری گروه ها یا زمینه های اجتماعی می باشند که فرایندهای مهم جامعه پذیری در آن ها به وقوع می پیوندد
مهم ترین این عوامل عبارت اند از:

1. خانواده؛

خانواده مسئولیت جامعه پذیری کودکان را در سال های اولیه و حیاتی زندگی به عهده دارد. ارزش هایی که فرد می پذیرد و نقش های گوناگونی که از او انتظار می رود انجامشان دهد، نخست در چارچوب محیط خانواده آموخته می شود.

2. گروه همسالان

گروه همسالان بیشترین نفوذش را در دوره نوجوانی اعمال می کند. در این دوره مورد پسند دیگران قرار گرفتن، معرف اصلی نوجوانان می شود و پذیرش و نمایش ارزش های گروه همسالان در پذیرش ارزش های اجتماعی از سوی فرد، نقشی تعیین کننده دارد. عضویت در گروه همسالان، کودکان را برای نخستین بار در زمینه ای قرار می

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

دهد که بیشترین قسمت جامعه پذیری بدون هیچ گونه طرح سنجیده ای در آن اتفاق می افتد.

3. رسانه های ارتباط جمعی؛

رسانه های جمعی مانند تلویزیون، فیلم، کتاب و ... نقش بسیار مهمی در القای ارزش های جامعه به افراد دارند. نگرش ها و الگوهای رفتاری ما از اطلاعات داده شده و شیوه های ارایه شده توسط این رسانه ها تاثیر می پذیرد

4. مدرسه؛

مدرسه عاملی است که به طور رسمی توسط جامعه موظف به اجتماعی کردن نوجوانان در زمینه مهارت ها و ارزش های خاصی گردیده است

عناصر اساسی جامعه پذیری

جامعه پذیری افراد مستلزم سه عنصر اساسی است:

الف) کنش متقابل انسانی؛

فرد تنها در جریان کنش متقابل با دیگر انسان ها الگوهای رفتاری را یاد گرفته و درونی می کند.

زبان به انسان ها اجازه می دهد که فرهنگ را بیافرینند، تجربه ها را انباشته کنند و شیوه های رفتاری شان را از نسلی به نسل دیگر انتقال دهند.

ج) تجربه پذیری عاطفی؛

یادگیری شیوه ابراز احساسات و روابط عواطفی عنصری لازم برای یادگیری و انتقال ارزش های فرهنگی است.

ریشه یابی فرهنگ

در فرهنگ علوم اجتماعی آلن بیرو، واژه ی culture آمده است: از ریشه ی cultura که در زبان لاتین، معنای مراقبت از گیاهان و در معنای مجازی مراقبت از اندیشه را می دهد گرفته شده است. فرهنگ عبارت است از هر آن چه که در یک جامعه ی معین کسب می کنیم، می آموزیم و می توانیم انتقال دهیم.

فرهنگ:

به مجموعه در هم تافته ای از اعتقادات ، آداب و رسوم ، اخلاقیات و ... که افراد جامعه از آن تبعیت می کنند و از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود

واژه کالچر culture دوره کلاسیک و شاید پیش از کلاسیک یعنی ادبیات لاتین ریشه میگیرد و در اصل به معنای کشت و کار یا پرورش آمده است و بعدها به معنی پرورش نفس در زبان یونانی معنای پرورش بخود گرفت .

کاربرد این واژه از قرن هیجدهم بطور عام برای نشان دادن تربیت روح بکار گرفته شده است زبانهای مانند پرتغالی ، اسپانیایی ، فرانسوی ، ایتالیایی ، رومانیایی و زبانهای انگلیسی در آغاز واژه CIVILIZATION را که بجای culture بکار بردند منظورشان پیشرفت اجتماعی بود



یکی از تعاریف اولیه و مقبول درباره فرهنگ تعریفی است که تایلور مردم شناس انگلیسی در سال 1871 در کتاب فرهنگ ابتدایی بیان می کند وی فرهنگ را اینگونه تعریف می کند که :فرهنگ یا تمدن کلیات هم تافته و مجموعه پیچیده ای را که شامل دین ، صنایع ، فنون ، هنر ، قانون ، اخلاقیات ، آداب و رسوم و هرگونه استعداد و مهارت تکنیک و فنون است که انسان از طریق عضویت در جامعه کسب می کند و

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

درقبال آن تعهداتی بر عهده می گیرد. همچنان که می بینید تایلور تعریف حداکثری از فرهنگ ارائه نموده و فرهنگ را همچون اعضای تشکیل دهنده بدن انسان وابسته به هم و در ارتباط با یکدیگر تلقی می کند و باز فرهنگ را مجموعه ای از آداب و رسوم ، اخلاقیات و دانش ها بطور خلاصه مجموعه ای از دستاوردهای مادی و معنوی بشر داند که به تدریج این دستاوردها جزء عادات خوب و یا بد جامعه و هنجارهای آن جامعه شده است. یکی از تعاریف اولیه و مقبول درباره فرهنگ تعریفی است که تایلورمردم شناس انگلیسی در سال 1871 در کتاب فرهنگ ابتدایی بیان می کند وی فرهنگ را اینگونه تعریف می کند که :فرهنگ یا تمدن کلیات هم تافته و مجموعه پیچیده ای را که شامل دین ، صنایع ، فنون ، هنر ، قانون ، اخلاقیات ، آداب و رسوم و هرگونه استعداد و مهارت تکنیک و فنون است که انسان از طریق عضویت در جامعه کسب می کند و درقبال آن تعهداتی بر عهده می گیرد. همچنان که می بینید تایلور تعریف حداکثری از فرهنگ ارائه نموده و فرهنگ را همچون اعضای تشکیل دهنده بدن انسان وابسته به هم و در ارتباط با یکدیگر تلقی می کند و باز فرهنگ را مجموعه ای از آداب و رسوم ، اخلاقیات و دانش ها بطور خلاصه مجموعه ای از دستاوردهای مادی و معنوی بشر داند که به تدریج این دستاوردها جزء عادات خوب و یا بد جامعه و هنجارهای آن جامعه شده است.

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}
ویژگیهای فرهنگ از نظر آقای هرسکووتیس :

- 1- فرهنگ یک امر اکتسابی است
 - 2- فرهنگ عوامل طبیعی ، روانشناسی و تاریخی زندگی انسان را در برمی گیرد
 - 3- هر فرهنگی دارای مشخصاتی است که مربوط به ترکیب و ساختمان جامعه است
 - 4- فرهنگ دارای جاذبه های متعدد است
 - 5- فرهنگ در طول زمان تغییر می کند
 - 6- فرهنگ های مختلف در روی زمین وجود دارند
 - 7- هر فرهنگ دارای قواعد و اصولی است که تحقیق علمی آنها عملی و میسر است
 - 8- فرهنگ یک وسیله سازگاری فرد با محیط خارجی خود و در عین حال وسیله ای برای ظهور امکانات خلاقه اوست
- تعریف فرهنگ از نظر آقای دکتر محمد صادق غلام جمشیدی** فرهنگ مجموعه ای از سنن ، باورها ، اداب ، اخلاق فردی یا خانوادگی و اقوامی که پایبندی ایشان به امور باعث تمایز آنها از دیگر اقوام و قبایل می شود .

فرهنگ به دو دسته تقسیم می شود :

1 - فرهنگ مادی :

به مجموعه پدیده هایی اطلاق می گردد که محسوس ، ملموس و قابل اندازه گیری با موازین کمی و عملی است مانند فنون ، ابزارهای کاربردی و تولیدی و ماشین و موتور

2 - فرهنگ غیر مادی :

به مجموعه و مسایلی گفته می شود که قابل اندازه گیری با موازین کمی نیست و به آسانی نمی توان آنها را مقایسه و ارزیابی نمود مانند اعتقادات ، ضوابط خویشاوندی هنر،زبان،ادبیات و رسوم که در واقع هویت فرهنگی یک جامعه را تشکیل می دهند.

انواع فرهنگ :

الف) فرهنگ مادی محسوس و ملموس است مانند:شهرها ، بناها،اشیاء

ب) فرهنگ غیر مادی (معنوی)نامحسوس ،ناملموس و جنبه ی کیفی داردشامل ارزشهای فرهنگی - هنجارهای فرهنگی -نماد - باورها

ارزشهای فرهنگی :

احساسات ریشه دار و عمیقی است که اعضای جامعه بر آن شریک اند این رزشها ، اعمال و رفتار جامعه را تعیین می کند .هنجارهای فرهنگی: بعد عملی ارزش های فرهنگی

نماد: نشانه هایی که در یک جامعه شناخته شده است

باور: باورها یا عقیده ها، اندیشه هایی هستند که فرد به درستی و حقانیت آنها اعتقاد دارد.

خرافات: جمع واژه عربی خرافه است .معتقدات ، باورها یا انجام کارهایی که هیچگونه ریشه عقلانی ندارند . خرافات به اسطوره ها و پیشگویی ها مربوط می شوند .

انتقال فرهنگی

فرایندی است که بوسیله آن فرهنگ از طریق آموزش از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود.فرهنگ را به طریق زیستی نمی توان به ارث برد . هر نسلی فرهنگ خویش را می آموزد و سپس آن را، همراه با تغییراتی که در عصر خود حاصل شده، به نسل بعد از خود م می آموزاند.انتقال فرهنگی، تداوم فرهنگ را امکان پذیر می سازد.در واقع تا زمانی که عوامل تغییر و دگرگونی فرهنگ، قوی و قدرتمند نباشند، اعضای جامعه در برابر دگرگونی فرهنگ مقاومت و مخالفت می کنند. برای مثال در هر فرهنگی، شیوه خاصی برای لباس پوشیدن وجود دارد. فقط هنگامی این شیوه دستخوش تغییر می گردد که تحت تأثیر عوامل فرهنگی نو و جدید (نوآوری فرهنگی) قرارگیرد و از طرف اکثریت جامعه مورد پذیرش قرار گیرد

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

اشاعه فرهنگی: اشاعه فرهنگی به مجموعه تأثیرات فرهنگی گفته می شود از جامعه ای به جامعه ی دیگر منتقل می شود

انباشت فرهنگی: انباشت فرهنگی، زمانی روی می دهد که طی یک دوره معین چیزهای افزوده شده به فرهنگ بیش از چیزهایی باشد که طرد میگردند. حتی در حالتی که در یک حوزه فرهنگی علاوه بر فرهنگ موجود جنبه هائی از فرهنگ سایر جوامع نیز افزوده شود، بدون آنکه جنبه ایی از فرهنگ موجود حذف شود، انباشت فرهنگی صورت گرفته است. عناصر جدید از طریق ابداع، اکتشاف و یا اقتباس بر عناصر موجود افزوده میشود

ضربه فرهنگی: فردی که تحت تأثیر محیط فرهنگی بیگانه است و بین مردمی زندگی می کند که در باورهای اساسی خود با او وجه مشترکی ندارد دچار ضربه فرهنگی می شود

قوم مداری: قوم مداری گرایشی است که برحسب آن افراد جامعه فرهنگ خود را برتر از فرهنگ دیگران می پندارند. عاداتها و سنتها، غالباً ما را با استفاده از وجهه نظرهای اجتماعی ریشه دار، به قوم مداری ترغیب می کنند. به این ترتیب هنگامی که اعضای یک گروه در باره دیگران به داوری می نشینند.

قوم مداری: انسانهایی که نژاد خودشان را برتر می دانند مثلاً ترکها نژاد خودشان را از کردها بهتر می دانند یا تهرانی های اصیل خودشان را از لرها بهتر می دانند . یکسری آدمها رو قوم خودشان خیلی با افتخار می گویند که مثلاً من بچه لرستان هستم یا من بزرگ شده گیلان هستم .

پس افتادگی فرهنگی

برخی بر این عقیده اند که دگرگونی معمولاً تنها در فرهنگ مادی رخ می دهد. مردم احتمالاً دگرگونی در تکنولوژی، بخش مادی فرهنگ را به آسانی می پذیرند، کمتر احتمال می رود که هنجارها، ارزشها، باور داشتهها سازمان اجتماعی شان را تعدیل کنند. زیرا عناصر غیر مادی فرهنگ نمی توانند با به پای عناصر مادی آن دگرگون شوند و پیش روند.

گسست فرهنگی فراموش کردن مسائل فرهنگی یعنی عدم انتقال فرهنگ از نسلی به نسل دیگر را گویند. مفهوم شکاف نسلی به عنوان رایج ترین مفهوم و مسئله اجتماعی تعیین شده است

جنبه های مختلف فرهنگ فرهنگ دارای سه جنبه : جنبه شناختی ، جنبه فنی و مادی ، جنبه سازمانی می باشد

1 - جنبه شناختی فرهنگ :

عبارتست از باور داشت ها ، اسطوره ها ، ارزشها ، ایدئولوژی ها ، رویکردها یا دانش فرهنگ یک جامعه از این وجه شناخته می شود اینها جنبه شناختی یک فرهنگ هستند

2 - جنبه فنی و مادی فرهنگ :

عبارتست از مهارت‌ها ، پیشه‌ها ، ابزارها و خلاصه چیزهای مادی دیگر که اعضای جامعه آن را بکار می‌برند

3 - جنبه سازمانی فرهنگ : عبارتست از آداب ، رسوم ، عرف‌ها ، قوانین ، نقشه‌ها که پایگاه‌های گوناگون یک فرهنگ هم بسته‌اند و همچنین قوانین و مقررات شیوه و نوع رفتاری که انتظار می‌رود اعضای جامعه هنگام فعالیت روزانه انجام دهند یا رعایت نکنند جزء جنبه‌های سازمانی فرهنگ است تمام این جنبه‌ها مقداری از جنبه‌های دیگر را با خود دارند در مسایل فرهنگی مطلق وجود ندارد بلکه همیشه یک ترکیبی وجود دارد ولو به اندازه کم ، همواره به چشم می‌خورد . بطور مثال در جنبه شناختی ما مقداری با جنبه فنی مواجه هستیم

جنبه‌های مختلف فرهنگ

1- جنبه شناختی فرهنگ : من باید فرهنگ ایرانی را یاد بگیرم بشناسم . مثلاً فرهنگ آن منطقه ای که دارم زندگی می‌کنم مثل آداب و رسوممان چی است ، سنت‌هایمان چی است ، مثلاً آداب و رسوم غذا خوردن مان فرهنگ است مثل آبگوشت خوردن و اشکنه خوردن که یک فرهنگ غذایی در ایران است

2- جنبه فنی و مادی فرهنگ : فرهنگ مادی هنجارها و ناهنجارها هست برای اینکه نظم داشته باشیم ناهنجاری مثل بدحجابی است .

3- جنبه سازمانی فرهنگ : قانون و مقرراتی که آن جامعه را نظم می‌دهند بعد سازمانی است .

انواع فرهنگ

صاحب نظران و فرهنگ شناسان، برای فرهنگ انواع یا سطوح مختلفی را ذکر می کنند و مبنای متفاوتی را برای تقسیم بندی در نظر می گیرند. یکی از تقسیم بندی ها بر مبنای دامنه شمولیت زمانی و جامعه تحت پوشش می باشد. در این تقسیم بندی انواع فرهنگ عبارت است از :

1- فرهنگ ملی

2- فرهنگ عمومی

3- فرهنگ تخصصی

4- فرهنگ سازمانی.

خرده فرهنگ در اصطلاح دانش مردم شناسی به ارزش ها و هنجارهای متفاوت با ارزش ها و هنجارهای گروه اکثریت که یک گروه درون جامعه ای بزرگ تر داراست. خرده فرهنگ ها قابل شناسایی و تغییر هستند و بیشتر به ارزش های گروه اقلیت اطلاق می شوند

تمدن: یعنی سبک زندگی مجموعه ای از انسان ها که در یک دوره تاریخی در یک منطقه جغرافیایی زندگی می کردند و دارای اهداف مشترکی بودند و دستاوردهای خاصی داشتند. در این تعریف سبک زندگی رکن اساسی تمدن است و همچنین

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

تاکید می شود بر دوره تاریخی و منطقه جغرافیایی که دوره تاریخی می تواند کوتاه یا بلند و منطقه جغرافیایی می تواند کوچک یا بسیار وسیع باشد، عنصر دیگر تعریف دستاوردها هستند که بدون آن تمدن معنای خود را از دست می دهد، و همچنین یک جامعه بی هدف در تعریف تمدن نمی گنجد.

تمدن: تمدن یعنی سبک زندگی مجموعه ای از انسان ها که در یک دوره تاریخی در یک منطقه جغرافیایی زندگی می کردند و دارای اهداف مشترکی بودند و دستاوردهای خاصی داشتند.

ابزار آلاتی که در هر دوره ازش استفاده می کنیم مثلاً: فکس، تلگرام و تلفن در تمدن قدیم غذا درست کردن بر روی چوب آتش درست می کردند و غذا می پختن ولی الان غذا را بر روی اجاق گاز یا در فر درست می کنند.

رابطه بین دو واژه تمدن و فرهنگ

برخی تمدن و فرهنگ را مترادف یکدیگر بکار می برند. گروهی دیگر فرهنگ را در نقطه مقابل تمدن قرار می دهد. در این مضمون، معنی فرهنگ تغییر کرده همه عقاید و آفرینش های انسانی مربوط به اسطوره، دین، هنر، و ادبیات را شامل می شود. حال آنکه تمدن به حوزه خلاقیت انسانی مرتبط با فن آوری (تکنولوژی) و علم اشاره می کند. خط، تکنولوژی، و علم عمومی ترین معیارهای مورد استفاده بوده اند. همراه با این معیارها، از خصوصیت های دیگری نیز استفاده ده است که در مشاهده تجربی،

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

فرهنگ‌ها غالباً با آنها پیوستگی داشته‌اند: وجود شهرها، وجود ناهمگنی جمعیتی که بر اثر تقسیم پیچیده کار با هم مرتبط شده‌اند، و تمرکز قدرت اقتصادی و سیاسی.

در بحث رفتارشناسی فرهنگی دو مبحث مردم‌شناسی و انسان‌شناسی بشر دخالت

دارد مردم‌شناسی (انتولوژی) انسان‌شناسی (استرولو پولوژی)

انسان‌شناسی علمی است که انسان را به طور کلی و همه‌جانبه بررسی می‌کند یا مطالعه عمومی انسان اعم از جسمانی، زیستی، تاریخی، اجتماعی یا فرهنگی، انسان‌شناسی ویژگی‌های طبیعی انسانها را در بین اقوام و ملت‌های مختلف و همینطور ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی او را مورد بررسی قرار می‌دهد.

مردم‌شناسی علم مطالعه جنبه‌های زندگی انسانها در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، دینی در یک محدوده خاص جغرافیایی می‌باشد. به شکل خلاصه می‌توان گفت مردم‌شناسی علم شناخت فرهنگ جوامع انسانی است

فرهنگ پذیری

تطابق با هم‌نوائی عمیق فرد با هنجارها و موازین فرهنگی یک جامعه را فرهنگ‌پذیری گویند. فرهنگ‌پذیری یا جریانی را که طی آن فرد فرهنگی می‌شود می‌توان به دو دسته تقسیم نمود. فرهنگ‌پذیری یک‌سویه و فرهنگ‌پذیری دو‌سویه. فرهنگ‌پذیری یک‌سویه مربوط به کودکان می‌شود و به این دلیل یک‌سویه نام گرفته است که کودک در مقابل پذیرا شدن

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

ارزش های جدید منفعل است یعنی آنکه جریان تاثیر ارزش ها یک طرفه و تنها از جانب جامعه بسوی کودک است و او مقاومتی در برابر این ارزش ها از خود بروز نداده و نمی تواند بر جامعه تاثیری متقابل داشته باشد. کودک بتدریج و ابتداء از طریق خانواده بعنوان میانجی با ارزشها و نهادها و واقعیت های اجتماعی آشنا می گردد.

فرهنگی شدن طفل از طریق خانواده به دو طریق صورت می گیرد :

ناآگاهانه و آگاهانه انتقال ناآگاهانه هنجارها به طفل از طریق سر مشق قرار دادن و اقتباس رفتار و کردار و گفتار والدین می گیرد و بدین ترتیب بدون آنکه والدین خود متوجه باشند کودک بتدریج با الگوهای رفتار و کرداری آشنایی می یابد که وی از سوی اطرافیان مشاهده می کند. این مرحله مرحله ای است حساس که شخصیت طفل بوسیله این الگوهای رفتار و کردار و گفتار بتدریج شکل گرفته و پایه ریزی می شود. از طرف دیگر انتقال هنجارها به کودک از طریق آگاهانه بدین معنی است که والدین با آموزش مستقیم و امر و نهی و تشویق و یا ممانعت وی را عمداً با هنجارها و موازین زندگی اجتماعی آشنا ساخته و بگونه ای که خود ترجیح می دهند و با توجه به برداشتی که از هنجارهای اجتماعی دارند سعی در اجتماعی شدن و فرهنگینمودن وی می نمایند. آشنایی و سپس همنوایی عمیق کودک با هنجارهای اجتماعی در دو وضعیت آگاهانه، ناآگاهانه از آن جهت اهمیت فراوان دارد که این جریان، جریانی است یک سویه و بنابراین ذهن کودک مساعد و آماده است، از برای هر آنچه که می بینید، می شنود و حس می کند، در حالیکه جریان فرهنگی شدن در بزرگسالان جریانی دو سویه بدین

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

معنا که در مورد افرادی مصادق دارد که شخصیت آنان تکوین یافته و دارای فرهنگ پیش بینی باشند. در چنین حالتی فرهنگ پذیری تبدیل به جریانی پیچیده می شود و فرهنگ جدید به سهولت فرد را تحت سلطه و تاثیر خود قرار نخواهد داد.

فرهنگی شدن طفل از طریق خانواده به دو طریق صورت میگیرد ناآگاهانه و آگاهانه

آگاهانه : مثلاً به بچه آموزش درست نشستن را یاد می دهیم ، تعارف کردن ، غذا خوردن در مهمانی ها، به بچه فرهنگ را یاد می دهیم .

ناآگاهانه : به بچه یمان اگر قرار است آموزش هم بدهیم اول خودمان عمل می کنیم مثلاً اگر میخواهیم بچه یمان به دیگران احترام بگذارد اول خودمان باید احترام گذاشتن به دیگران را بلد باشیم ، یا اینکه اگر میخواهیم بچه یمان دروغ نگوید اول خودمان نباید دروغ بگوییم ، اگر میخواهیم بچه یمان نماز خواندن را بیاموزد و فراگیرد اول خودمان باید نماز خواندن را انجام دهیم تا بچه یمان نماز خواندن ما را که می بیند را یاد بگیرد و انجام دهد.

فرهنگ پذیری : خود ما بپذیریم فرهنگ آن جامعه را بهمان صورت هم آموزش بدهیم .

فرهنگ پذیری یا جریانی را که طی آن فرد فرهنگی میشود می توان به دو دسته تقسیم نمود:

1-- **فرهنگ پذیری یک سویه** : من فقط فرهنگ را دریافت می کنم صحبتش راجب فقط کودکان است. فرهنگ بچه ها اصولاً دو سویه است .

2-فرهنگ پذیری دو سویه. ما فرهنگ را می گیریم و بعد انتقال می دهیم معمولاً شامل بزرگترها میشود و زمانی است که از یک کشور به کشور دیگر میروم مثلاً از ایران به یک کشور دیگر می رویم و فرهنگ کشور خودمان را ناخودآگاه به کشور دیگر می بریم مثلاً فرهنگ آشپزی یا فرهنگ لباس پوشیدن

فرهنگ پذیری دو سویه می تواند از چند طریق به وجود آید :

مهاجرت های بین المللی

برخوردهای تاریخی اقوام

سلطه استعمارگران بر مستعمرات

چارلز هورتون کولی-خود آینه سان

چارلز هورتون کولی از جامعه شناسان معاصر است. به طور خلاصه وی عقیده دارد جامعه برای فرد همچون آینه عمل میکند. بنابراین فرد خود را بر اساس آن شکل میدهد در این نظریه، آینه همان جامعه است که چونان یک آینه برای ما امکان آنرا فراهم می سازد که واکنش های دیگران را نسبت به رفتار خودمان مشاهده کنیم تحول خود اجتماعی هر فرد، از همان نخستین سال های زندگی آغاز می شود. تصویر خود یک کودک از خانواده اش سرچشمه می گیرد و در سرا سر زندگی، طی تماس شخص باهمبازی ها، همسالان و همگنانش، تحول می یابد.

نقش

در اصطلاح دانش جامعه‌شناسی، نقش عنوان یا برچسبی است که با آن جایگاه و الگوهای رفتاری شخص در بین جامعه تعیین می‌گردد. نقش‌ها ممکن است توسط شرع، عرف یا قانون تعیین گردند. در تعیین و تعریف نقش‌ها، توافق و تأیید جامعه ضروری است. آشنایی با نقش و تمرین نقش مراحل نقش‌پذیری هستند. مستحکم کردن زندگی اجتماعی و هماهنگی و نظم بخشیدن به عمل، از پیامدهای نقش در زندگی اجتماعی است

انواع نقش

الف / نقش محول یا انتسابی

نقش انتسابی نقشی است که مطابق هنجارها و قواعد رفتاری موجود در یک جامعه به عهده افراد واگذار می‌گردد و از فرد انتظار می‌رود آن‌ها را به درستی انجام دهد مانند زن بودن مرد بودن رنگ پوست و وابستگی به قوم نژاد طایفه و مذهب و نسبت‌های خانوادگی و فامیلی از قبیل برادر بودن و خواهر بودن ب / نقش محقق یا اکتسابی: نقش اکتسابی به آن دسته نقش‌های اطلاق می‌گردد که فرد خود کسب می‌کند و در پدید آوردن آن‌ها دخالت مستقیم دارد. معلم بودن تاجر بودن واکثر نقش‌های تخصصی که در حال حاضر افراد با جهد و تلاش شخصی به آن‌ها دست

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

پیدا می کنند را می توان نقش های اکتسابی دانست. در دوران قدیم نقش های اغلب انتسابی بودند دهقان زاده، دهقان می شد و شاهزاده شاه اما هر چه جوامع پیچیده تر می گردد نقش ها بیشتر اکتسابی می شوند.

تعارض در نقش

به نسبت پیچیده تر شدن جوامع و همچنین افزایش تقسیم کار اجتماعی نقش ها نیز پیچیده تر و تخصصی تر می شوند در یک جامعه روستایی فرد داری چندین نقش است: کشاورز است معمار است و از آنجا که نقش ها ساده اند فرد قادر است چندین نقش متفاوت را به درستی انجام دهد و برابر جامعه شهری افراد تنها زمانی نقش معمار پزشک معلم پرستار و ... را به عهده گیرند که تخصصی کافی و لازم در این نقش ها را داشته باشند. به رغم تخصصی شدن مشاغل برخی اوقات افراد ناگزیرند در نقش های مختلف ایفای نقش نمایند. اگر تعدد نقش ها به حدی باشد که فرد قادر نباشد نقش متناسب با پایگاه اجتماعی اش را آنچنانکه انتظار می رود برآورده سازد. با مسئله تعارض یا تضاد نقش ها مواجه خواهد شد. تضاد نقش ها در موردی امکان ندارد و فرد به دلیل داشتن یک چند پایگاه که مستلزم ایفای نقش های متضاد است، قادر به ایفای نقش نیست. تعارض نقش ها بدین معناست که به دلیل تعدد نقش ها بعضی از نقش ها با نقش های دیگر ناسازگار است و حتی در مواردی ممکن است نقشی آن قدر اهمیت پیدا کند که نقش های دیگر را تحت الشعاع قرار دهد.

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

به بیان دیگر ممکن است فردی دارای نقش های متعددی باشد که بین آن ها نوعی برخورد یا رویایی پدید آید که اصطلاحاً به این حالت تعارض نقش ها گویند؛ یعنی برخی نقش ها با برخی دیگر سازگاری ندارند، مثل استادی که به دلیل پرداختن به کار عملی از نقش پدری اش غافل شود، یا کسی که هم مادر است و هم پرستار و در نتیجه به دلیل خستگی و همچنین اصراف وقت زیادی در پرستاری، نتواند نقش مادری را آنچنان که از او انتظار می رود انجام دهد، گاهی اتفاق می افتد که فرزند در اجرای نقشی که از او انتظار می رود به دلیل تعارض نقش ها و انتظاراتی که دیگران از او در قبال نقش دارند دچار مشکل می شود. چنین وضعیتی را فشار نقش گویند. برای مثال دانش آموزان از معلم توقع رفتار دوستانه و رسمی دارند و همکاران معلم از او توقع رفتار دوستانه و غیر رسمی دارند، یا دانش آموزان از وی می خواهند که در نمره دادن سختگیری نکند ولی مدیر از وی می خواهد سختگیر باشد.

تعارض در نقش : آدمهایی که چند نقش دارند و تو یک راستا هستند نتوانیم نقش هایمان را رسیدگی کنیم . مثلاً بخاطر شغلان مجبور شویم از نقش مادری و همسری کم بگذاریم تعارض در نقش ها بیشتر در شهر است در روستا نیست

نقش های زیادی داریم و یک نقش می آید تو نقش های دیگر اختلال ایجاد می کند مثل : نقش پرستاری ، پزشک ها ، آتش نشان ها

تنش در نقش

نقش مصوب

نقش مورد انتظار

نقش ایفا شده

تنش در نقش

نقش مصوب : مثلاً من مدرس دانشگاه هستم نقش من مدرسی دانشگاه هست یعنی کاری که دانشگاه از من مدرس می خواهد مثلاً از من می خواهد از ساعت یک بعد از ظهر تا 20 شب در دانشگاه باشم و در کلاس حضور و غیاب کنم ، جزوه بدهم و چیزهای دیگری که قانون بهم می گوید .

نقش مورد انتظار : مثلاً به استاد می گویم که از ما امتحان نگیرد یا در کلاس از ما درس نپرسد چیزی که ما از استاد انتظار داریم

نقش ایفا شده : کارهای که خوداستاد انجام بدهد چیزی که نقش مصوب دانشگاه بگوید یا خودم بگویم یکسان نباشد و دچار تعارض میشود باید سعی کنم این 3 تا نقش شبیه هم باشند یا در یک ردیف باشند .

نقش یا ذاتی است یا اکتسابی

مید در نظریه‌ی تکوین خود الگوهای کنش متقابل را دنبال می‌کرد که در شکل‌گیری خود اجتماعی افراد در دوران کودکی نقش داشتند (کودک برای یادگیری نقش دیگران، باید معانی نمادها و زبان را دریابد. بخش عمده‌ای از این یادگیری از طریق بازی‌های گوناگون حاصل می‌شود. تکوین خود طی چند مرحله صورت می‌گیرد. هر چند بسیاری از منتقدان مراحل تکوین مید، معمولاً فقط روی دو مرحله تأکید می‌کنند، مفیدتر آن است که در چهار مرحله شرح داده شود

1. مرحله‌ی تقلید

در ابتدایی‌ترین سطح بازی، کودک از وجود دیگران و اشیاء فیزیکی آگاهی پیدا می‌کند. او گرفتن، نگه داشتن و استفاده از اشیائی چون صابون، بطری و پتو را می‌آموزد. با رشد مهارت‌های فیزیکی‌اش، به تدریج از طریق مشاهده و تقلید از والدین خود، و رفتن با اشیاء را یاد می‌گیرد. مثلاً، وقتی می‌بیند که مادرش توپی را برمی‌دارد و به هوا پرتاب می‌کند، ترغیب می‌شود، که همان کار را انجام دهد. کودک در این مرحله، صرفاً قادر به فهم اداهاست و تا زمانی که صحبت کردن را نیاموخته است، غیر از تقلید رفتار، کار زیادی نمی‌تواند انجام دهد. البته، او حتی از طریق تقلید چیزهایی می‌آموزد، به این نحو که در می‌یابد به برخی از رفتارهایش پاداش می‌دهند و به برخی دیگر از آنها تنبیه به همراه دارد

2- مرحله‌ی بازی‌های ساده: در این مرحله، کودک به کارگیری زبان و معنای برخی نمادها را آموخته است. او از طریق زبان می‌تواند نقش یا نگرش دیگران را بگیرد. او دیگر صرفاً ادای دیگران را در نمی‌آورد، بلکه در تخیلش، خود را به جای آنان می‌انگارد (کودک در این

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

مرحله، می‌تواند همچون مادرش لباس بپوشد و نقش او را «بازی» کند یا نقش یک مأمور آتش‌نشانی، یک کشتی‌گیر، سگ خانگی‌شان، یا حتی شخصیتی کارتونی را اجرا کند. کودک در خلال بازی، آهنگ صدا و حالت‌های کسانی را به خود می‌گیرد که در نقش آنان «بازی» می‌کند. با چنین کاری، «او در خود همان پاسخی را می‌جوید، یا در پی یافتن آن پاسخی است که در دیگران می‌جوید» (کودک یاد می‌گیرد که نقش دیگران مهم را بازی کند. اگر چه حیوانات سطح پایین‌تر از انسان نیز به بازی می‌پردازند، فقط انسان است که «می‌تواند در نقش دیگران بازی کند»

2. مرحله‌ی بازی‌های پیچیده:

کودک در این مرحله باید بتواند خود را هم‌زمان در نقش افراد گوناگون بگذارد و رابطه‌ی بین این نقش‌ها را دریابد. به تعبیر مید، «تفاوت اساسی بازی‌های پیچیده و بازی‌های ساده در این است که در بازی‌های پیچیده، کودک باید بتواند همان رفتار سایر بازیگران را داشته باشد. رفتار سایر بازیگران که شرکت‌کننده آن را برمی‌گزیند، در کلیتی سازمان‌دهی می‌شود و این همان سازمان‌دهی است که واکنش فرد را کنترل می‌کند» (مید از بازی بیس بال برای توضیح این موضوع استفاده کرده است. چنان‌که توپ به سمت توپ‌گیر هدف‌گیری و فرستاده شود توپ‌گیر باید نقش خود را ایفا کند، اما او برای این که بداند مثلاً در شرایطی که بازیگر تیم حریف به گوشه‌ی زمین رسیده است، توپ را کجا پرتاب کند، باید از نقش هم‌تیم‌های خود نیز آگاهی داشته باشد. دریافتن نقش‌های دیگران فقط یکی از جنبه‌های اساسی در مرحله‌ی بازی‌های پیچیده است در صورت آگاهی داشتن از قواعد بازی، فرد به جای نقش‌پذیری‌های ساده می‌تواند نقش‌هایی را که نظامی خاص و استاندارد شده دارند، به عهده بگیرد). (پیروی از قواعد این بازی‌ها متضمن توانایی فرد در نشان دادن کنترل شخصی است

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

و این حاکی از آن است که او نحوه‌ی عمل کردن در کلیت سازمان یافته‌ای را که به آن تعلق دارد، آموخته است (بازی‌های پیچیده را به تعبیری می‌توان نوعی مرحله‌ی گذار در زندگی کودک به شمار آورد که در آن کودک به جای ایفای نقش دیگران در بازی‌های ساده، نقشی سازمان یافته را ایفا می‌کند که برای دست یابی به خودآگاهی اهمیت‌ی اساسی دارد. یادگیری نقش‌های گوناگون در بازی‌های سازمان یافته، به کودک کمک می‌کند کارکردهای عام‌تری را در زندگی اجتماعی درک کند

3. دیگری تعمیم یافته:

دیگری تعمیم یافته بر اثر استفاده‌ی متوالی و هم زمان فرد از چندین نقش در وی تکوین می‌یابد. دیگری تعمیم یافته نوعی فرد گروهی یا یک اسم جمع است؛ به هر رو، نوعی کلیت بخشی در فرایند نقش پذیری است. افراد در این مرحله از تکوین خود نگرش کل اجتماع یا به تعبیر مید، «دیگری تعمیم یافته» را برمی‌گزینند. در این مرحله، فرد نه تنها خود را با دیگران مهم (افراد خاص)، بلکه با نگرش جامعه، اجتماع یا گروه، به مثابه یک کل، یکی تصور می‌کند. دیگری تعمیم یافته را نباید یک فرد دانست، بلکه آگاهی هو شیارانه‌ی فرد است از جامعه‌ای که او جزئی از آن است. توانایی افراد در اتخاذ نگرش دیگری تعمیم یافته موجب می‌شود تا افراد خاص و متفاوت به درکی مشترک از اجتماع دست یابند. خودی که به این ترتیب نمایان می‌شود «من فاعلی» نیست، بلکه وجه تجربی خود، یا همان «من مفعولی» است. «من مفعولی» زمانی که فرد نقش‌های متفاوتی را به عهده می‌گیرد و از دید جامعه به مسائل نگاه می‌کند، در خلال ارتباطات و مشارکت‌ها تکوین می‌یابد (با معاشرت با دیگران در کل جامعه، در مکان‌های متفاوت (مثل محیط کار، مدرسه، کلیسا

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

و مسابقات ورزشی و غیره) است که خودهای بسیاری در شخصیت هر فرد برانگیخته می شود، تکوین می یابد، و به جامعه ای اخلاقی مربوط می شود. تکوین خود مبتنی است بر کنش های متقابل با دیگران در جامعه. این کنش های متقابل با شکل گیری شخصیت فرد کمک می کند. فرد در مرحله ی بازی های پیچیده، به یک خود منسجم نیاز دارد، در حالی که در مرحله ی بازی های ساده، فقط به بخش هایی از خود احتیاج دارد. پذیرش معیارهای جامعه با به رسمیت شناختن دیگری تعمیم یافته محقق می شود. آگاهی از دیگری تعمیم یافته وارد ذهن فرد می شود و بر نحوه ی عمل وی در موقعیت های خاص تأثیر می گذارد. از این طریق، دیگری تعمیم یافته بر رفتار فرد کنترل اعمال می کند. در زندگی هر فرد، چندین دیگری تعمیم یافته وجود دارد، از جمله خانواده، دوستان، رفقا، حزب سیاسی، وفاداری ملی و غیره. برخی از این دیگرهای تعمیم یافته، مهم تر از برخی دیگرند، اما در هر حال، آنها در تصمیم گیری فرد، در زمینه ی انتخاب روش های مناسب در نظر گرفته می شوند.

مشخصه های جوامع توده وار:

فراوانی جمعیت

توسعه شهرنشینی

گوناگونی حرفه ها و فعالیت های انسانی

دگرگونی روابط اجتماعی

گسترش وابستگی

اهمیت یافتن افکار عمومی

انبوه خلق

گوستاولوبون: *افراد دو شادوش هم با عقاید متفاوت افراد همین که در جامعه به انبوهی تبدیل شدند نوعی روح جمعی در آنها شکل می گیرد این روح وادارشان می کند به گونه ای عمل کنند که با احساس، عمل و رفتار آنها در تنهایی فرق دارد؛ او معتقد است صفت اصلی انبوه خلق فراموش شدن شخصیت آگاه فردی است .

انواع انبوه خلق تصادفی / اتفاقی: افرادی که به تماشای یک تصادف مشغولند.

قراردادی: افرادی که بر اساس یک قرار داد با هدف مشخص دور هم جمع می شوند

نمایشی: شرکت عده ای در یک مراسم آئینی و تعزیه داری

فعال: در این انبوه خلق افراد در اثر کشش فکری دور هم جمع می شوند و برای به دست آوردن هدفی متمرکز می شوند. به این و سیله آنها احساس مشترکی برای رسیدن به اهداف خود پیدا می کنند .

انبوه تنها

انبوه تنها : گابریل تارد افراد دور از هم ولی سلیق و خواسته ها و ... یکسان دارند

مثل اعضای یک گروه تلگرام امروز عصر انبوه تنهاست

{فرهنگ عمومی}

{به نام حق}

{ناهید خوشنویس}

نظریه های فرهنگی

رویکرد مطالعات فرهنگی

1* استوارت هال (بازنمایی) واقعیت وجود ندارد

2* مکتب فرانکفورت آدرنو و هورکهایمر (صنایع فرهنگی)

3* یورگن هابر ماس (هگل قرن بیستم) گستره همگانی در حال نابود شدن است

4* سواد رسانه ای

بازنمایی

جنس

مذهب

نژاد

بازنمایی: هرچند بازنمایی در نگاه واقع گرایانه (رئالیستی) متشکل از تصاویر یا صدای حوادث است، ولی عمل بازنمایی، به شکل کامل و مطلق، جهان را نمایش نمی‌دهد محتوای‌های رسانه‌ای همواره دارای ساختار هستند و هرگز پنجره‌ای شفاف و روشن نیستند. بازنمایی از ساختار واژه و لغت فراتر می‌رود و این سؤال را پیش می‌کشد که چگونه گروه‌ها (و هر چیز ممکن که در رسانه وجود خارجی پیدا می‌کند) به وسیله محصولات رسانه‌ای بازنمایی شده است؟ این مساله به چگونگی رسانه‌ها و ژانرهای مختلف مربوط می‌شود و در عین حال معانی یا اثرات ضمنی سیاسی وسیعی را با خود به همراه دارد. بازنمایی نوعی عمل دلالت‌گر است که منعکس‌کننده واقعیت بیرونی است؛ در واقع، بازنمایی نوعی تصویر دستکاری شده از واقعیت بیرونی است. همه امور جهان، کپی واقعیت هستند و در این میان هنر، کپی از کپی واقعیت است؛ هنر، بازنمایی از بازنمایی است.

زنان در رسانه‌ها و تبلیغات رسانه‌ای چه جایگاهی دارند؟

جهت‌گیری رسانه‌ها در شکل دادن به نگرش‌ها و رفتار مخاطبان درباره هویت جنسیتی «مرد» و «زن»، نقش برجسته‌ای ایفا می‌کند. پرسش درباره بازنمایی رسانه‌ای و تبلیغات در رسانه‌ها این است که جنسیت و رابطه جنسیتی چگونه در رسانه‌ها بر ساخته می‌شود آیا نقش رسانه‌های جهانی و داخلی بر تقویت نابرابری‌های جنسیتی و دامن زدن به شکاف میان امر «قدرتمندی مردان» و «کم‌قدرتی زنان»

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

مطابق ایدئولوژی مرد سالارانه است؟ مردان و زنان در ر سانه‌های جمعی به گونه‌ای بازنمایی می‌شوند که با نقش‌های کلیشه‌ای فرهنگی که در جهت باز سازی نقش‌های جنس سنتی به کار می‌رود، سازگاری دارند.

مردان معمولاً به صورت انسان‌هایی مسلط، فعال، مهاجم و مقتدر به تصویر کشیده شده و نقش‌های متنوع و مهمی را که موفقیت در آنها مستلزم مهارت حرفه‌ای، کفایت، منطق و قدرت است را ایفا می‌کنند، در مقابل زنان معمولاً تابع، منفعل، تسلیم و کم اهمیت هستند و در مشاغل فرعی و کسل کننده‌ای که جنسیت شان، عواطف شان و عدم پیچیدگی شان بر آنها تحمیل کرده است، ظاهر می‌شود.

آندره میشل با تحلیل پژوهش‌هایی که برای سازمان یونسکو انجام شده، الگوهای کلیشه‌ای مشترک جنسیتی که در گستره بین‌المللی صورت گرفته است را ذکر می‌کند:

- نقش‌های مختلف در خانواده: مادر نقش خدمت‌رسان خانوادگی و وابسته به همسر و پدر نقش نان‌آور و تکیه‌گاه خانواده را بر عهده دارد.

2- خصوصیات شخصیتی: مردان خلاق، تصمیم‌گیر و فعال هستند اما دختران و زنان وابسته و منفعل هستند.

3- نقش‌های اجتماعی و سیاسی: زنان اگر هم در سطوح اجتماعی فعال باشند، در سطح محلی و خرد اجتماع جای دارند، اما مردان دارای مسئولیت و یا رهبری سیاسی در گستره بزرگتری از اجتماع هستند

4-نقش حرفه ای: مشاغل به دو بخش زنانه و مردانه تقسیم شده اند. زنان منشی یا

پرستار و مردان کارفرما یا پزشکانند

آنتونی گیدنز در بین رسانه های جمعی، تلویزیون و برنامه های تلویزیونی را عامل مهمتری در روند تبعیض جنسیتی می داند. از نظر گیدنز، بازنمایی تلویزیون از هویت جنسیتی با یافته های مربوط به تفاوت جنسیتی همخوانی دارد. «تحلیل صورت گرفته در مود کارتونهایی که بیش از همه بیننده دارد، نشان می دهد که تقریباً همه شخصیت های برجسته در این کارتونها مرد هستند و مردها برای کارهای فعال، مسلط اند. همچنین تصاویر مشابهی در این زمینه در آگهی های تجاری که به فواصل در میان برنامه ها ظاهر می شوند را می توان یافت» مسلمانان علی رغم داشتن کمیت بالا (تعداد جمعیت زیاد) نسبت به دیگر اقلیت های مذهبی، از کیفیتی که در شان این تکرار باشد برخوردار نیستند و چهره های خشن و تروریستی ای از مسلمانان در اذهان عمومی به ویژه مردم آمریکا و اروپا نقش بسته است که مقصر این تصویرگری سیاه و منفی رسانه های بین المللی هستند. این رسانه های بین المللی هستند که با حمایت مالی سیاستمداران، دست به چنین اقدامی می زنند و چهره ای منفی از اسلام و مسلمانان به نمایش می گذارند. از دیگر نکات پراهمیت این است که رسانه را به عنوان ابزاری برای شست و شوی مغزی و دستکاری افکار می داند و به مخاطب هشدار می دهد که باید متوجه این قضیه باشد؛ (رسانه در حال هدایت افکار به سمت خاصی است).

بازنمایی ایران در مطبوعات غرب

«تروریسم» و «بنیادگرایی اسلامی»، کلیشه های شمایل انگارانه اصلی هستند که توسط مطبوعات غرب مورد استفاده قرار می گیرند. این دو کلیشه درواقع اسلام و ایران را در رسانه های غربی، به عنوان تهدید علیه صلح، دموکراسی و مدرنیزاسیون بازنمایی می کنند. تحویل یا تقلیل مستمر ایران به نوعی تهدیدی مضاعف تحت عنوان بنیادگرایی اسلامی و تروریسم بین المللی، این کشور را بیش تر از «دیگران» دیگر برای غرب و سایر نقاط جهان، خطرناک جلوه میدهد.

بازنمایی نژاد

الف) دیدگاهی را که در آن سفیدپوستان افراد منظم، عقلانی و ساعی هستند در تضاد با سیاهپوستان (به عنوان افرادی بی نظم، غیر عقلانی و بی بند و بار) به تصویر کشیده اند. ب) سفیدپوستان در موضع قدرت اند، اما به لحاظ جسمانی به سیاهپوستان وابسته هستند.

والت دیسنی، یکی از فعال ترین شرکتهای رسانه ای در حوزه کنترل اذهان

نزدیک به یک قرن است که شرکت «والت دیسنی»، فیلم های سینمایی و انیمیشن های مخصوص کودکان را که حاوی ارزش ها و سنن آمریکایی هستند، تولید و منتشر می کند. این شرکت طی دهه ها، تبدیل به یک امپراتوری بزرگ شده است. در دهه های اخیر، تولیدات این شرکت، بزرگسالان را نیز هدف گرفته و در کنار سایر

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

چهره‌ها و شرکت‌های هالیوودی، تبدیل به یکی از پیشگامان حمایت از ارزش‌های جدید غربی به مانند همجنس‌بازی و یا شیطان‌پرستی شده است.



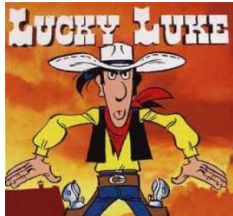
میکي موس : یهودیان را با نام «موش کثیف» می‌شناختند. والت دیسنی به کمک میکي ماوس توانست در چند دهه کاری کند که این واژه جای خود را به «موش دو ست دشتنی» بدهد و دیگر کسی نمی‌توانست برای یهودیان تصوّر «موش کثیف» را داشته باشد. میکي ماوس معصوم که همواره مورد تهاجم رقبای خود قرار می‌گرفت و تنها به کمک زیرکی بر دشمنان پیروز می‌شد، نمادی شد از معصومیت قوم یهود! که باید تلاش کند تنها با سرمایه خود، یعنی زیرکی، خود را از دست دشمنان جهانی رهایی دهد.



2- تام و جری : شخصیت جری در مجموعه تام و جری در واقع، ادامه شخصیت میکي ماوس است. جری موش زبل و بدجنسی است که با شیطنت و ناجوانمردی، همواره بر گربه ابله و احمق پیروز می‌شود. برخلاف دنیای واقعیت، همواره این موش است که بر گربه پیروز می‌شود، چیزی است که ناخودآگاه، ذهن کودک و بزرگسال را به خود جلب میکند این حس در ذهن کودک نهادینه میشود که می‌توان با دغل و حقّه بازی، همیشه پیروز شد. تام و جری علاوه بر آثار خاصی که بر مخاطبان جهانی داشت، توانست حس اعتماد به نفس را در مخاطبان یهودی خود - که سال‌ها از موش کثیف بودن در رنج بودند - نهادینه نماید.

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

موش کثیف صفتی بود با بار معنایی ترسو بودن و منزوی که هیچ کدام از آنها در موش کوچک والت دیسنی دیده نمی شد. تام و جری را می سازند و کشورهای جهان سوم را جری می نامند .



1. 2- لوک خوش شانس

2-لوک خوش شانس: سفید پوست بودن لوک خوش شانس نشانه مرد بودنش است و مذهب

مسیحی یا یهودی است همیشه سمت غروب آفتاب می رود این غروب آفتاب سمت خورشید سرزمین موعود است **لوک خوش شانس یهودی است** لوک خوش شانس سعی می کند تا به خوبی معرف یهودی خوش برخورد و مهربانی باشد که به دنبال سرزمین موعود و مادری خود است و در این راه، به رسالت خود، یعنی ایجاد امنیت برای دنیا عمل می کند.



3-هاچ زنبور عسل: نکته: کشورهای آسیایی و در رأس آنها «ژاپن» به سفارش شرکت های

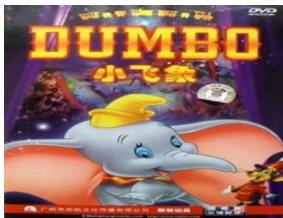
صهیونیستی هالیوود تولید کرده اند؛ مانند «دختری به نام نل»، «حنا دختری در مزرعه»، «باخانمان»، «چوبین» و غیره. همان طور که گفتیم، **مادر در فرهنگ یهودی، نماد سرزمین موعود یهودیان است.**

این انیمیشن ها هرچند با هدف بیشترین تأثیر بر کودکان یهودی جهان ساخته شده، اما به دیگر کودکان جهان نیز این حس را القا می کند که صاحب دیگر سرزمین ها با عنوان برگشتن به سرزمین مادری، حق مسلم قوم یهود است.



4- شیر شاه: شیر در فرهنگ یهودی، نماد سلطه جهانی صهیونیسم است. در «تورات» می‌خوانیم: ...

و بقیه قوم یعقوب در میان امّت‌ها و قوم‌های دیگر مثل شیر در میان جانوران جنگل و مانند شیر درنده در میان گلّه‌های گوسفند خواهند بود که هنگام عبور، پایمال می‌کنند و می‌درند و کسی نمی‌تواند مانع آنها شود. شیر شاه یهودی است و مسیحت هم می‌تواند باشد.



5- دامبو فیل پرنده: مثل کارتون جوجه اردک زشت است که دامبو بچه فیل زشتی است که ابتدا

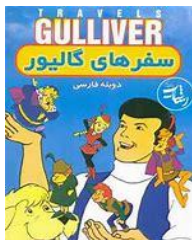
مورد تمسخر و بی‌توجهی اطرافیان قرار می‌گیرد؛ اما سرانجام می‌تواند با تلاش، خود را بالا بکشد (نمادی از قوم یهود که در جوامع مختلف چندان مورد توجه نبودند). مادر دامبو عرق چینی شبیه به کلاه یهودیان بر سر دارد و به این ترتیب از دیگر فیل‌ها متمایز می‌شود. گناه او تنها این است که می‌خواهد از فرزندش حمایت کند؛ اما زندانی می‌شود. سرانجام، دامبو شایستگی خود را ثابت می‌کند و در عملیاتی پیروزمندانه، همه تحقیرها را پشت سر می‌گذارد و پرچم سیرک را که البته بی‌شباهت به پرچم اسرائیل هم نیست، به اهتزاز درمی‌آورد. این انیمیشن، اعتماد به نفس و خودباوری را به کودکان یهود هدیه می‌دهد و به خوبی، مظلومیت ساختگی یهود (صهیونیسم) را تداعی می‌کند.



6. جوجه اردک زشت: شخصیت گوشه‌گیر و زشت جوجه اردک، شبیه دامبو فیل پرنده است؛ به

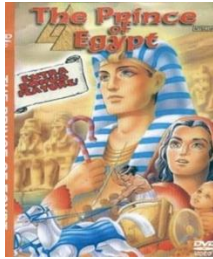
ویژه اینکه در پایان، همانند او به موفقیت می‌رسد و تبدیل به یک قوی بسیار زیبا می‌شود.

حرکت این قوی زیبا به سمت خورشید در غروب هم همان نمای معروف انیمیشن لوک خوش شانس را به یاد می‌آورد. از این روی، کارتون معروف «جوجه اردک زشت» نیز که در اصل برای مخاطب یهودی تولید شده است، ذهن کودکان معصوم امروز را به سوی آرمان‌های صهیونیسم سوق داده و آنها را برای پذیرش تفکرات یهود در فردا آماده می‌سازد.



7. گالیور : در همان نگاه نخست به انیمیشن معروف «گالیور»، با یک سفیدپوست بلند بالا با مدل موها

و لباس انگلیسی، آمریکایی مواجه می‌شویم که از طریق دریاها به سرزمین عجیب کوتوله‌ها (نماد مشرق زمین) پا نهاده و به آنها در مبارزه علیه دشمنانشان کمک می‌کند به این ترتیب، این موضوع در ذهن کودک شکل می‌گیرد که این «انگلساکسون‌ها» هستند که باید منجی همیشگی آنها باشند. در پاسخ باید گفت اگر سرزمین کوتوله‌ها نماد مشرق زمین است ... پس سرزمین آدم بزرگ‌ها نماد کجاست؟؟ غرب و یا فراماسونری و یا حکومت پادشاهی انگلیس؟؟؟ که میتوانیم مورد آخر را بیشتر نزدیک ببینیم...



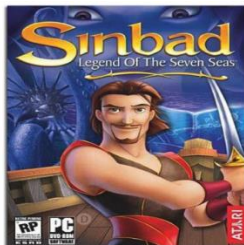
8- پرنس مصر: هالیوود در عرصه انیمیشن‌های مذهبی نیز به طور جدی ورود کرده است. این

انیمیشن، روایتگر زندگی حضرت موسی (ع) است. در این کارتون بسیار پرهزینه به خوبی روایت تحریف شده هالیوود از دین و تمایل آن را به «سکولاریسم» می‌بینیم در «پرنس مصر» به طرز ماهرانه‌ای منزلت عصمت و شأن این نبی مکرم الهی تنزل می‌یابد. هالیوود، مشابه این انیمیشن، برنامه‌های کارتون دیگری مربوط به زندگی حضرت نوح (ع) و حضرت یوسف (ع) نیز تولید کرده است.



9- شرک: شرک انیمیشنی بسیار حرفه‌ای، جذاب و دوست داشتنی بود، کودکان در سری‌های دو و سه

آن، به طرز باورنکردنی‌ای با مقوله سکس و معاشقه‌های طولانی روبه‌رو شدند. این‌گونه تصاویر و صحنه‌ها به تدریج ذهن کودک را درگیر موضوعاتی می‌کند که متناسب با سن او نبوده و وی را با بسیاری ناهنجاری‌های شخصیتی رو به‌رو می‌کند.



{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

10- سری جدید سند باد: در سری جدید انیمیشن سندباد (افسانه هفت دریا)، دیگر اثری از آن

فضای زیبای شرقی نیست. از علی بابا و علاالدین هم خبری نیست به جای آن مخاطب با انبوهی از قول و دیو و خشونت و جملات رکیک روبرو می شود و سندباد مهربان، تبدیل به کسی شده که با هفتاد ضربه شمشیر خود، یک کشتی بزرگ را تصاحب کرده و دریا را از خون رنگین می کند.



11- ای کیو سان: آنچه در مجموعه جذاب انیمیشنی ای کیو سان به خوبی تبلیغ می شود، نقش

تفکرات بودایی در پرورش ذهن انسان است. کودکان ایرانی ناخود آگاه با دیدن این مجموعه جذب تفکرات بودایی و نیز آداب و سنن و باورهای آنها می شوند. که این تنها به دلیل شخصیت جذاب مهربان و دوست داشتنی قهرمان فوق العاده باهوش قصه یعنی ای کیو سان است؛ اما چرا بودایی؟!



12- فرار جوجه ای: سرتاسر فضای داستان و مزرعه که با سیم خاردار گرفته شده یادآور

اردوگاه های کار اجباری آلمان نازی و هلوکاست (بیهودی سوزی) فرضی است که سال هاست صهیونیسم در راستای اثبات آن می کو شد. ناجی مرغ های قربانی (نمادی از یهودیان) خروس خلبانی است که آمریکایی بوده و سرانجام با نجات مرغ ها آنها را به سوی دشتی با صفا (یادآور سرزمین موعود یهودیان) راهنمایی

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

می‌کند. این انیمیشن، یکی از بارزترین آثار کودکان در عرصه ترویج تفکرات صهیونیسم و ترویج هولوکاست است.



13- مجموعه باربی: باربی مجموعه انیمیشن بسیار پر طرفداری است که همراه با عروسک و لوازم

جانبی اش سالهاست به عنوان نماد ابتذال، برهنگی و مصرف گرایی جهان غرب در اذهان کودکان رخنه کرده و آنها را برای پذیرش نمادهای مبتذل فرهنگ غرب در بزرگسالی آماده می‌کند. در حقیقت این انیمیشن زن‌ها را مورد توجه قرار داده و عروسک‌های آن با ده‌ها طرح و مدل در حالی که لبخندی ملیح بر لب دارد، به راحتی زمینه‌های الگوپذیری از پوشش، آرایش، رنگ مو، تناسب خاص اندام و به نوعی رفتار هوس انگیز را برای کودکان و نوجوانان فراهم می‌سازد. کارشناسان بر این باورند، هجوم نمادهای باربی در جامعه، می‌تواند اثرات مخربی بر نوجوانان داشته باشد به گونه‌ای که در اروپا و آمریکا هم اکنون نهادها و موسسات ضد باربی تشکیل شده است.

آدرنو و هور کهایمر (صنایع فرهنگی)

صنعت فرهنگ با تولید انبوه کالاهای متنوع و به کمک رسانه‌های جمعی نظیر رادیو، تلویزیون و مطبوعات، به تبلیغات گسترده‌ای برای بازاریابی و مصرف کالاها پرداخته و از این طریق به فریب اذهان و افکار عمومی مبادرت ورزیده است تا افرادی منفعل و تسلیم طلب در برابر طبقه سرمایه‌دار حاکم به وجود آورد. آدرنو می‌گوید: جامعه به مدد صنایع فرهنگ نمی‌گذارد از سانه‌ها جان دیگری جز آن چه هست برای خود

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

متصور شوند، در هم ریختگی شعور به مرحله ای رسیده است که دیگر به زحمت می توان انسان ها را نسبت به این وضعیت آگاه کرد. دیگر نیازی به عمل عمدی رهبران نیست. تسلط به مرحله ای رسیده که دیگر اصلاً تسلط به نظر نمی آید. به نظر آدورنو و هورک هایمر جهان امروز و آینده اداره شده است و آزادی حقیقی در اثر توسعه عقلانیت در جامعه که همان تسلط بر طبیعت است، لطمه دیده است. در جهان امروز خر سندی و خو شبختی فرد تحقیق نمی یابد، بلکه در روندی تاریخی با زوال فردیت انسان همراه است.

نظریه یورگن هابر ماس در مورد گستره همگانی

گسترده همگانی یا فضای عمومی :

افراد در حوزه عمومی از طریق مفاهیم و استدلال و در شرایطی عاری از هر گونه فشار، اضطرار یا اجبار دورنی یا بیرونی و بر مبنای آزادی و آگاهی تعاملی و در شرایط برابر برای تمام طرف های مشارکت کننده در حوزه سیاست و اجتماع، مجموعه ای از رفتارها، مواضع و جهت گیری های ارزشی و هنجاری را تولید می کنند که در نهایت به صورت ابزاری مؤثر برای اثر گذاردن بر رفتار و عملکرد دولت به ویژه در عقلانی کردن قدرت دولتی عمل می کنند. حداقل تصور از این حوزه همان بحث آزاد و باز بوده که در آن تصمیم گیری به وسیله استدلال عقلانی صورت می پذیرد..

✕ سواد رسانه‌ای (Media Literacy)

✕ در یک تعریف بسیار کلی عبارت است از

✕ یک نوع درک

✕ متکی بر مهارت

✕ که براساس آن می‌توان

✕ انواع رسانه‌ها

✕ و انواع تولیدات آن‌ها را شناخت

✕ و از یکدیگر تفکیک و شناسایی کرد

- **سواد رسانه‌ای:** درک و توجه به نوع رسانه و محصولاتی که دارد. ما درک می‌کنیم رسانه کی است تولیداتش چی است مثل رسانه بی بی سی، تی ان ای، رسانه را بشناسیم، پشتش کی است و چه محصولاتی دارد؟ یاد می‌گیریم از رسانه چطوری استفاده کنیم. آن چیزی که به باورها و اندیشه‌های من سازگار است. به زبان ساده، سواد رسانه‌ای مثل یک رژیم غذایی است که هوشمندانه مراقب است که چه موادی مناسب هستند و چه موادی مضر چه چیزی را باید مصرف کرد و چه چیزی را نه و یا اینکه میزان مصرف هر ماده بر چه مبنایی باید استوار باشد.

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

این درک به چه کاری می‌آید؟ به زبان ساده، سواد رسانه‌ای مثل یک رژیم غذایی است که هوشمندانه مراقب است که چه موادی مناسب هستند و چه موادی مضرچه چیزی را باید مصرف کرد و چه چیزی را نه و یا اینکه میزان مصرف هر ماده بر چه مبنایی باید استوار باشد.

سواد رسانه‌ای می‌تواند به مخاطبان رسانه‌ها بیاموزد که از حالت انفعالی و مصرفی خارج شده و به معادله متقابل و فعالانه‌ای وارد شوند که در نهایت به نفع خود آنان باشد. به دیگر سخن، سواد رسانه‌ای کمک می‌کند تا از سفره رسانه‌ها به گونه‌ای هوشمندانه و مفید بهره‌مند شد.

انواع فرهنگ (:)

نظریه فرهنگ توده: منشأ آن محتوای رسانه‌ها است. یعنی از آنچه بصورت محتوا توسط رسانه‌ها تولید و منتشر می‌شود، به عنوان فرهنگ توده یاد میکنند. فرهنگ توده ترکیبی است از تصاویر، اطلاعات، سرگرمی‌ها و... که بصورت محتوا از طرف رسانه‌ها در بین مخاطبین توزیع می‌شود. به عبارت دیگر مجموعه‌ای از سلیقه، تمایلات و رفتارهایی است که تحت تأثیر رسانه‌ها قرار دارد، فرهنگ توده اصالت ندارد.

2. فرهنگ عامه: منشأ آن خود مردم است. محتوای آن از خود مردم گرفته

می‌شود. قدمت آن فراتر از عمر رسانه‌های همگانی است و میتواند مستقلاً عمل

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

کند در واقع فرهنگ عامه همان اصالت ها و ارزشهای سنتی ملتها است و

ماندگاری دارد. مثال: در میان مردم یکسری باورها و مثل هایی وجود دارد که

رسانه بررسی میکند و به خود مردم برمیگرداند مثل سریال مثل آباد

3-فرهنگ نخبه سرچشمه آن دست اندرکاران پیام های ارتباط جمعی هستند، به عبارت

دیگر کالاهای فرهنگی که توسط نخبگان خلق می شود و در واقع تحت نظارت آنها در چارچوب

بعضی معیارهای علمی،خلاقانه و زیبایی شناسی یا علمی عمل میشود.

مجموعه هنرهای زیبا به ۷ دسته تقسیم می شوند:

1. هنر های دستی: مثل مجسمه سازی، قالی بافی، منبت کاری، شیشه گری و ...

2. هنرهای ترسیمی: مثل خط و نقاشی

3. هنر موسیقی: چهار عنصر مهم در هنر موسیقی شامل: سازنده ی ساز، خواننده،

رهبر گروه و آهنگساز.

4. هنر معماری: هنری است که از طراحی، نقشه کشی، تا اجرای یک اثر هنری را

شامل می شود و می خواهد فضا را در سه بعد برای بیننده به ترسیم کند.

5. هنر حرکات نمایشی: مثل حرکات آکروباتیک، رقص و...

6. هنرهای ادبیاتی: مثل شعر، داستان، فیلم نامه، نمایشنامه و...

7. هنر سینما، فیلم و تئاتر: فیلم این قابلیت را دارد که تمام هنرهای ششگانه ی قبلی را می توان در آن نمایش داد به همین دلیل تأثیر بیشتری از سایر هنرها دارد.

8-روابط عمومی

انواع هنر از نظر ارتباط با مخاطبین هنر به سه دسته تقسیم می شود:

1. **هنر متعالی:** هنری است که مربوط به جوشش استعدادهای درونی یک هنرمند می شود، دارای پیچیدگی است و برای همه قابل فهم نیست، پیروان آن کمتر است، گرانقیمت است، محدود است، قابل دسترسی نیست، مخاطب کمتری از آن لذت می برد، بیشتر مربوط به

قشر نخبه ، دانشمند، هنرمند و پولدار جامعه است، تخصص و انفرادی است

2. **هنر عامه پسند:** مربوط به قشر متوسط به بالای جامعه است، سرگرم کننده است، مردمی است، مخاطب را ارضاء می کند، هزینه ی کمی دارد، قابل دسترسی است، نیاز به جمع مخاطبان دارد، تخصص نیاز ندارد.

3. **هنر مبتذل:** فقط و فقط تجاری است، سطح بسیار پایینی دارد، از لحاظ مخاطب بعد از هنر عامه پسند قرار دارد، رسانه ها برای بدست آوردن منابع مالی و استمرار آن وابسته به آگهی، تبلیغات و بازخورد هستند بنابراین نیاز دارند که مخاطبان شان زیاد شوند، بنابراین روی به هنر مبتذل و هنر عامه پسند می آورند.

تقسیم بندی هنر از لحاظ پیشینه

1. **هنرهای سنتی:** مثل نقاشی، خط و هنرهای دستی که از پیدایش بشر با وی همراه بوده اند و در طی قرون و اعصار تکامل یافته و عمده‌تاً شامل مفاهیم فرهنگی و مذهبی و آداب و رسوم را در بر میگیرند.

2. **هنرهای مدرن:** باید هنرمند قالب های نو و جدیدی پیدا کند، به نحوی هنرمند را وادار به نوگرایی می کند. مثل شعر نو در برابر شعر کلاسیک، هدف آن مثل هنرهای سنتی فقط ارائه ی لذت برای مخاطب نیست بلکه اهداف دیگری را در نظر دارد. هنر مدرن با مسایل مذهبی به شدت مخالفت دارد، هنری است عقل گرا و خردگرا و معتقد است عقل و خرد می تواند انسان را به خوشبختی و سعادت برساند. به موضوعات اومانیسم (انسان گرایی) خیلی اعتقاد دارد و انسان را در صدر همه ی کارهای خود قرار می دهد و انسان را موضوع مطلب و تجزیه و تحلیل خود قرار می دهد.

3. **هنرهای پست مدرن:** این مکتب، مکتب مدرن را قبول ندارد و مخالف شدید آنست چرا که معتقد است خرد و عقل بشر را به خوشبختی و سعادت نرسانده است معتقد است چیزی به نام حقیقت، جامعیت و عینیت وجود ندارد و مخالف آنست این مکتب نسبی گراست و معتقد است که هر موضوع را باید در ظرفیت خود بررسی کرد پست مدرنیسم مخالف سلطه ی انسان روی محیط زیست است، و نیز مخالف برتری گرایی است و می گوید هر چیزی را باید بومی و محلی بررسی کرد.

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

وارانیاک سه خصیصه زیر را برای فرهنگ عامیانه (فولکلور) در نظر میگیرد:

بنا شدن بر میراث و اصول تمدنی قدیم و کهن فاقد روش علمی و استدلال منطقی بودن و عاری بودن از هر گونه آرایش روشنفکری و پیرایش نظری این برکناری از تحول روشنفکری باعث شده است که در جریان اشاعه ی اصول تمدن جدید « که از روش و تأثیر فرهنگ اشرافی» الهام گرفته است، فولکلور بدون آنکه با آنها ترکیب شود، در کنارشان قرار گیرد و در نتیجه، عناصری بسیار قدیمی را تقریباً دست نخورده حفظ کند

وان ژنپ، پنج ویژگی را برای مطالعه فولکلور پیشنهاد میکند:

- رفتارهای جمعی و گروهی رایج در بین عامه مردم
- تکرار شدن به مناسبت و بنابر مقتضیات
- داشتن نقش در مجموعه ی فعالیت های زندگی
- مشخص نبودن ابداع کننده و به وجود آورنده و زمان شروع رفتارها و اعمال فولکلوری

- با ادبانه و خارج از نزاکت بودن بعضی از رفتارهای فولکلوری و خودداری از بیان آنها در محافل رسمی و اشرافی و روشنفکری

کوچ

منظور از کوچ و کوچ نشینی نوعی زندگی است که در آن به دلیل اتکا به شغل دامداری به منظور بهره گیری از منابع طبیعی ناچار به حرکت و جابه جایی از نقطه ای به نقطه ای دیگر می باشد. اگر چه فعالیت های جانبی دیگر مانند کشاورزی و صنایع دستی نیز در این جامعه رواج دارد. امروزه در مملکت ما اصطلاحات مختلف نظیر: عشایر کوچ نشینی، گله دار، ایلپاتی، چادر نشین و غیره به کار برده می شود که همگی دال بر زندگی کوچ نشینی است.

انواع کوچ

کوچ های عشایری معمولاً از نظر چگونگی کوچ و موقعیت جغرافیایی محل و محدوده حرکت به دو دسته تقسیم می شوند: کوچ افقی و کوچ عمودی.

کوچ عمودی: در این نوع کوچ مهاجرت از دشت به کوهستان صورت می گیرد. به عبارت دیگر کوچ از ارتفاعات بالا به پایین و بالعکس انجام می شود. به دلیل شرایط آب و هوایی دشتهای عشایر زمستان را در زمین های پست و تابستان را در ارتفاعات کوهستانی به سر می برند. از خصوصیات این نوع کوچ کوتاه بودن طول مسیر کوچ است. عشایر ممسنی ایلات سنگسری-پروری-دارای این نوع کوچ هستند.

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

2) کوچ افقی: در این نوع کوچ عشایر معمولاً مسافت زیادی را طی می کنند که این مسیر حد فاصل چند شهرستان و یا استان را شامل میشود. در بعضی از مناطق این مسافت به هزار کیلومتر هم می رسد. این دسته از عشایر در طول مسیر کوچ از این مراتع استفاده میکنند. این گروه برخلاف دسته قبل در بیلاق و قشلاق دارای اراضی کشاورزی و باغات کمتری میباشد و عموماً عشایر کوچرو هستند. ایلات قشقای و خمسه در استان - طوایف چادر نشین کرمانشاه کردستان و ایلام دارای این نوع کوچ هستند.

کوچ افقی به دو محدوده جغرافیایی قابل تقسیم است:

1- کوچ درون استانی که در محدوده یک یا چند شهرستان واقع در حوزه یک استان صورت میگیرد.

2- کوچ برون استانی که فراتر از یک استان در محدوده چند شهرستان یا چند استان صورت میگیرد.

برخی اصطلاحات مرتبط با زندگی عشایر:

مال کنون: عبارت است از کندن و جمع کردن چادرها و اثاثیه در وقت جابجا شدن از گرمسیر به سردسیر که در بین عشایر معمولاً این کار با در نظر گرفتن سعد و نحس روزها و زمان انجام می شود (سعد - خوب و نحس - بد)

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

ایل راه: منظور فا صله دو منطقه سرد سیر و گرم سیر و بالعکس است که ایلات را خاص را یا راههای خاصی را همیشه در نظر دارند تعیین و انتخاب ایلرا بر چند اصل

است: ۱- نزدیکی راه ۲- انتخاب راه کم خطر ۳- برخورد های ایلی

مسیر کوچ: به خط سیر حرکت و جابجای عشایر کوچنده از ییلاق به قشلاق و بالعکس اطلاق می شود. به مسیرهای سنتی کوچ عشایر «ایلراه» گفته می شود.

زیست بوم عشایری: محدوده ای از سرزمین و قلمرو ایل و یا قلمرو رده های ایلی عشایر است که علی الاصول شامل ییلاق، قشلاق و مسیر بین این دو (میان بند) است.

ییلاق یا سرد سیر: به محدوده زیستی و قلمرو جغرافیایی گفته می شود که عشایر تمام و یا قسمتی از فصول بهار و تابستان را در آن می گذرانند. در بین برخی از عشایر به ییلاق، سرحد نیز گفته می شود.

قشلاق یا گرم سیر: به محدوده زیستی و قلمرو جغرافیایی گفته می شود که افراد و خانوارهای عشایری، تمام یا قسمتی از فصول پاییز و زمستان را در آنجا سپری می کنند.

میان بند: به مناطق بین قلمروهای ییلاقی و قشلاقی عشایر اطلاق می شود. مسیرهای عبور عشایر (ایلراه ها) و اتراقگاه های موقت بین راهی در میان بند قرار داشته است. همچنین متناسب با فصل یا دوره کوچ، میان بند دارای مراتع بهارگه چر یا بهارچر و پاییزچر بوده است.^۱

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

فعالیت اقتصادی مردم کوچ نشین ایران

۱-مهمترین فعالیت عشایر دامداری و تولید محصولات دامی است .

۲-فعالیت آنها در تولید محصولات کشاورزی است البته به صورت محدود

۳-در زمینه صنایع دستی

۴-فعالیت های متفرقه که ادامه زندگی عشایری که هم واحد تولید وهم واحد

مصرف به حساب می آید است.

به طور کلی نوع مسکن میان ایلات و عشایر را می توان به دو دسته خانه و سیاه چادر تقسیم کرد:

خانه مساکنی است که مصالح آن از چوب یا مواد بنایی مانند خشت و گل، آجر و

سنگ و غیره است و بیش تر در نقاط قشلاق هر ایل یا دهکده هایی که از سوی

ایلات مسکون برای تمام ایام سال بنا شده یافت می شود و جنبه دایمی دارند

چادر نیز در میان بیش تر چادر نشینان عمومیت دارد و با وضعیت زندگی آنها

مناسب است. چادرها را می توان در مدت کوتاهی از روی زمین برچید و بر پشت

چارپایان برای بردن به ناحیه ای دیگر حمل کرد. طرح چادرها معمولاً یا دایره شکل

و یا مستطیلی است.

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

نسبت های خویشاوندی در بین اقوام کوچ نشین ایرانی :

۱- رابطه سببی

۲- نسبی

۳- آرمانی

۴) خویشاوندی رضایی

سببی: می تواند به شکل پدر تباری یا مادر تباری باشد

در پدر تباری همه افراد یک نیا مشترک واقعی دارند. افراد موقعیت وارث خود را از پدری می گیرند خویشاوندی در این نوع معمولاً به صورت خانواده گسترده می باشد فرزندان به نام پدر نامیده می شوند و اقتدار پدر بزرگ چندین نسل را شامل می شود این نوع خویشاوندی در اقتصاد زندگی کوچ نشینی هم خود خود را نشان می دهد خویشاوندان حقیقی با هم خون حق بهره برداری از آب، زمین و مرتع را دارند. اتحاد در بین این گروه مستحکم بوده و معمولاً تلاش می شود با ارج است که تعداد فرزندان هر چه بیشتر باشد خصوصاً فرزندان ذکور یا پسر زیرا دوام نیای خانواده تنها به واسطه ادامه نسل فرزندان نیز ممکن می باشد.

مادر تباری: نوعی سیستم خویشاوندی است که موفقیت اجتماعی فرد و حتی

خویشاوندی او به خانواده مادر وابسته است در این سیستم فرزندان به نام مادر نامیده می شوند و نیاز کودکان از راه مادر ادامه پیدا می کند در این سیستم دایی معمولاً قدرت

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

بیشتری دارد در بعضی از اقوام کرد نمونه هایی از آن دیده می شود این نوع انتساب در بین کرد ها بیشتر از آنکه مربوط خونی باشد بیشتر مربوط به شخصیت مادر بوده است

نسبی: خویشاوندی ناشی از ازدواج می باشد در جامعه عشایری این ازدواج به دو دلیل اهمیت دارد

1- باعث محکم شدن موقعیت ایل می شود

2- زمینه ساز از بین رفتن دشمن های قدیمی می باشد

رسم هایی مثل خونبس یا گاوگاو نمونه هایی از نوع ازدواج هستند

در رسم خون بس

برای اتمام جنگ های طائفه ای

دختری از خانواده یا ایل قاتل

به خانواده مقتول داده می شود

و یا رسم گاوگاو نوعی ازدواج مبادله ای که

دختری در مقابل دختری از خانواده دیگر داده می شود.

آرمانی: «در سیستم خویشاوندی آرمانی نیز عضویت افراد، نه تنها به سبب

خویشی و قرابت خونی، بلکه داشتن نیای مشترک آرمانی است که ایل یا طایفه بنام

او نامیده می شود. این نوع خویشاوندی در میان عشایر لک و لر بیشتر وجود دارد که

با پسوند «وند» مشخص می شوند مانند همه وند (همه یا حمه مخفف محمد)

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

ح سن وند / بهاروند / ر شوند (رش مخفف ر شید) تاکنون خیلی از پژوهشگران در مورد پسوند «ون = وند» وند تحقیق کرده اند چرا که این پسوند نه تنها در نام اقوام ایرانی دیده می شود بلکه در نام برخی از اماکن ایران همچون دماوند، نهاوند و الوند نیز وجود دارد. حتی واژه «دما» در نام ترکیب دماوند را به معنی عقب و واژه نها – در نام ترکیبی نهاوند — را به معنی جلو ذکر نموده اند، واژه ال در نام ترکیبی الوند دگرگون شده آن (عقاب) است که روی هم به معنی عقابوند همچون نام خانوادگی دالوند در لرستان که به معنی عقابوند است.

خویشاوندی ر ضاعی نوعی نسبت خانوادگی است که با شیر خوردن نوزاد از زنی که مادر طبیعی او نیست، حاصل می شود. تأثیر این نوع قرابت فقط در منع ازدواج میان خویشان رضاعی است و آثار دیگر قرابت نسبی مانند ارث بردن و انفاق در آن مطرح نیست.

رضاع به معنای شیر دادن و رضاعی به معنای همشیر است و در گفتار بیشتر کلمات برادر و خواهر همشیر به کار می رود.

خانواده خانواده واحد اجتماعی دیگری است که باید از خانوار تمیز داده شود. خانواده براساس روابطی تعریف می شود که – از عمل توالد و تناسل نشأت می گیرد و قانون یا ر سومی ناظر آن است. روابط اصلی خانواده رابطه های است که بین زن و شوهر از یک سو و والدین و فرزندان از سوی دیگر برقرار می شود.

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

در تعریف خانواده گفته می شود که 'نخستین سلول یا واحد زندگی اجتماعی و یک از اساسی ترین نهادهای جامعه است مرکب از زن و مرد که ممکن است کودکانی هم داشته باشند. روابط زنا شوئی و خویشاوندی معینی که مورد قبول جامعه است و حقوق و تکالیف افراد نسبت به یکدیگر از ویژگی های خانواده شمرده می شود'

تعریف خانوار تعریف خانوار با خانواده متفاوت است. خانوار واحد آماری است که دارای مشخصات اجتماعی و اقتصادی خاصی می باشد و از افرادی تشکیل می شود که در یک 'کانون' زندگی می کنند. زیر یک سقف می خوابند و سر یک سفره و یا میز غذا می خورند، اقتصاد مشترک دارند یا ندارند، روابط جنسی دارند یا ندارند. بدین جهت شخص مجردی هم که به تنهایی زندگی می کند، تشکیل خانوار می دهد، هرچند که ممکن است خدمتکاری در خانه با او زندگی کند. از انواع دیگر آن، دانشجویانی هستند که در یک خوابگاه زیر یک سقف زندگی می کنند و یا سربازانی که در یک سربازخانه به سر می برند.

تفاوت خانوار و خانواده

- خانوار یک مفهوم جمعیت شناختی است در حالی که خانواده مفهومی است جامعه شناختی.
- در تعریف خانوار شرط خویشاوندی وجود ندارد اما اساسی ترین عنصر تعریف خانواده وجود گونه ای خویشاوندی میان اعضای آن است.

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

- یک نفر به تنهایی می تواند به عنوان خانوار مستقل در نظر گرفته شود در صورتی که صحبت از خانواده^۱ یک نفری در ست نیست — اگرچه در مطالعات جمعیتی مربوط به خانواده^۲، خانوار یک نفری را به جای خانواده^۳ یک نفری قرار می دهند.

- هر خانواده ای خانوار است اما هر خانوار نمی تواند الزاماً خانواده باشد زیرا خانوار مفهومی است اعم.

سازمان ملل متحد (۱۹۹۴) نیز در آمار جمعیتی خود، خانواده را

چنین تعریف می کند:

«خانواده یا خانوار به گروه دو یا چند نفره ای اطلاق می شود که با هم زندگی می کنند؛ درآمد مشترک برای غذا و دیگر ضروریات زندگی دارند و از طریق خون، فرزندانگی یا ازدواج، با هم نسبت دارند. در یک خانواده ممکن است یک یا چند خانواده زندگی کنند، تمام خانوارها، خانواده نیستند.»

انواع خانواده مطالعه در تاریخ تحول خانواده و انواع و اشکال آن در جوامع معاصر جهان، نشان می دهد که خانواده از نظر کاربرد کارکرد، شیوه معیشت و ساخت، انواع مختلفی به خود دیده و به اشکال متنوعی درآمده است.

انواع خانواده	۱- از نظر کاربرد	۱- خانواده زیستی ۲- خانواده آماری
	۲- از نظر کارکرد	۱- خانواده جهت یابی ۲- خانواده فرزندزایی
	۳- از نظر شیوه معیشت	۱- خانواده شهری ۲- خانواده روستایی ۳- خانواده عشایری
	۴- از نظر ساخت	۱- خانواده هسته ای ۲- خانواده گسترده ۳- خانواده باملحقات
		۴- خانواده ناقص
		۱- خانواده نخستین ۲- خانواده سومین ۳- خانواده بی فرزند
		۴- خانواده گسیخته
		۱- مرگ ۲- طلاق ۳- ترک ۴- طرد

تربیت و بزرگ کردن فرزندان نیست

از نظر کاربردی

که در دانش‌های مختلف دارد، خانواده را به دو صورت 'زیستی' (گروه متشکل از پدر و مادر و فرزندان) و 'آماری' (افرادی که با هم در زیر یک سقف زندگی می‌کنند و دور یک سفره غذا می‌خورند و اقتصاد مشترک دارند) تقسیم می‌کنند

از نظر کارکرد-

خانواده از دیدگاه کارکردی که برعهده دارد به دو شکل 'جهت‌یابی' (خانواده‌ای که کودک در آن به دنیا می‌آید و بزرگ می‌شود و گرایش‌ها و سوگیری‌های خود را از آن کسب می‌کند) و 'فرزندزائی' (خانواده‌ای که زن و شوهر و فرزندان آنان تشکیل می‌شود و کارکرد اصلی آن تولیدمثل است) تقسیم می‌گردد.

از نظر شیوه معیشت :

- از نظر شیوه معیشت و نحوه زندگی، خانواده به سه شکل 'شهری'، 'روستائی' و 'عشایری' تقسیم می‌شود که در عین وجود تشابهات فراوان بین اشکال متفاوت خانواده در این سه قلمرو، از دیدگاه‌های مختلف تمایزهایی نیز میان آنها وجود دارد.

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}
از نظر ساخت خانواده و روابط افراد در درون آن، انواع چهارگانه زیر قابل
تشخیص است:

خانواده هسته‌ای nuclear

:خانواده هسته‌ای یا خانواده زن و شوهری(خانواده‌ای است مرکب از یک زن و یک
مرد با تعدادی فرزندان ازدواج نکرده. در خانواده هسته‌ای حداکثر دو نسل وجود دارد
و از نظر قدرت تصمیم‌گیری ممکن است مستقل، نیمه مستقل و وابسته به شبکه
خویشاوندی و خانواده‌گسترده باشد.

. خانواده گسترده 2-

خانواده توسعه یافته، خانواده‌ای است که از یک زن و مرد اصلی، فرزندان ازدواج کرده
و نکرده آنان، همسر و کودکان فرزندان ازدواج کرده و خویشاوندان و وابستگان دیگر
تشکیل می‌شود. خانواده گسترده معمولاً شامل دو یا چند هسته زناشویی است و در
آن بیش از دو نسل زندگی می‌کنند. خانواده گسترده انواع زیادی دارد که نمونه رایج
آن در ایران 'خانواده پدری توسعه یافته' است.

۳. خانواده باملحقات:

گونه‌ای از خانواده هسته‌ای است که یک یا چند نفر از خویشاوندان زن یا شوهر با اعضای آن زندگی می‌کنند. از نظر اقتدار داخل خانواده و اداره امور آن، اعضای خانواده تابع خانواده اصلی (هسته‌ای) و رئیس آن هستند و همین نکته است که تمایز آن را با خانواده گسترده نشان می‌دهد.

4. خانواده ناقص:

خانواده‌ای است که بنا به دلایلی، یکی از عناصر اصلی و ارکان خانواده (مرد، زن و کودک) را نداشته باشد. از خانواده‌های ناقص می‌توان به خانواده نخستین (زن و شوهری جوان نوبیوند و بدون فرزند)، 'خانواده سومین' (خانواده زن و شوهر سالخورده که فرزند آنها پس از ازدواج خانواده را ترک کرده‌اند)، خانواده بی‌فرزند (خانواده‌ای که به علت عقیم بودن مرد و نازائی زن فرزندی ندارد و 'خانواده گسسته' یا از هم گسیخته (خانواده‌ای که به علت مرگ یکی از زوجین یا طلاق یا ترک و یا طرد خانواده و مهاجرت و غیره، زن یا شوهر را نداشته باشد) اشاره کرد.

همچنین در برخی جوامع مفاهیم دیگری از خانواده وجود دارد که روابط سنتی خانواده را کنار گذاشته‌اند. خانواده به عنوان یک واحد اجتماعی جامعه پذیری، در جامعه‌شناسی خانواده مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تبارشناسی رشته‌ای است که دودمان‌های خانوادگی را در تاریخ مطالعه می‌کند

تحول معنای خانوادگی در دوران تمدنی جدید :

زن و شوهر یا ازدواج نمی‌کنند اگر هم ازدواج بکنند شاید بچه دار نشوند و ورود جوامع انسانی به عصر صنعتی و فراصنعتی به تدریج و در سیری منظم و بی وقفه، با رواج ارزش‌های جدید، نظیر فردگرایی، و زوال ارزش‌های دیگر، همچون حرمت روابط جنسی خارج از قاعده ازدواج و فرزندآوری بدون ازدواج، همگام شد و طبیعتاً خانواده اصلی‌ترین عنصر اجتماعی، متأثر از این روند بوده است.

مهاجرت migration

به مثابه ادامه منطقی توزیع و ترکیب نهائی و جابه‌جائی جمعیت در مکان جغرافیائی، مهم‌ترین شکل تحرک مکانی جمعیت است که در تمام ادوار تحولات جامعه وجود داشته و در برخی از مراحل تکامل اجتماعی آن اهمیت به‌سزا پیدا می‌کند. دوره انتقال جامعه از نظام‌های ماقبل صنعتی به نظام مبتنی بر صنعت شاهد حرکت‌های کلان از مناط روستائی به نقاط شهری و از سرزمین‌های کم توسعه به مناطق توسعه نیافته است که در بسیاری از جوامع شکل حادی پیدا می‌کند و از حالت 'پدیده اجتماعی' (social phenomenon) به صورت 'مسئله اجتماعی' (social problem) تبدیل می‌شود. به‌طور کلی، واژه مهاجرت در مفهوم جابه‌جائی و انتقال جمعیت در مکان با تحرک جغرافیائی جمعیت استعمال

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

می شود. در تعریف مهاجرت باید مفهوم عام کلمه را از مفهوم خاص آن جدا کرد: مهاجرت به معنای عام کلمه عبارت است از: ترک سرزمین اصلی و سکونت در سرزمین دیگر به طور موقت یا دایم؛ و مهاجرت به معنای خاص آن عبارت است از نقل مکان انفرادی یا جمعی انسان ها با تغییر محل اقامت به طور دایم یا برای مدتی طولانی (بیش از یک سال). مهاجرت در معنای عام شامل مهاجرت های موقت روزانه، مهاجرت های فصلی برای کار، مهاجرت های میان مدت و بلند مدت و مهاجرت دایمی می گردد اما دو گونه نخست در تعریف خاص مهاجرت داخل نمی شوند. مهاجرت در مفهوم جمعیت شناختی کلمه با کوچ مداوم انسان در جوامع ابتدائی و کوچ عشایری و همچنین حرکات جغرافیائی کوتاه مدت مانند سفر یا مسافرت متمایز است و در مورد جمعیت هائی به کار می رود که نسبتاً استقرار یافته اند. از آنجا که در جمعیت شناسی انجام مطالعات مربوط به مهاجرت در کل کشور دشواری های زیادی دارد، به منظور امکان بررسی، به کسی که محل اقامت فعلی و محل تولد او یکی نباشد مهاجر اطلاق می شود. در این تعریف مدت مهاجر بودن را ده سال در نظر می گیرند.

انواع مهاجرت

در مطالعه مهاجرت و انواع آن، صاحب نظران جمعیتی به گونه هائی اشاره کرده و به طبقه بندی هائی دست زده اند. عده ای در بررسی های خود، از مهاجرت های طبیعی یا عادی (الف) و بی رویه یا کنترل نشده (ب) سخن به میان می آورند و منظور آنها از این

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

مقوله‌ها از یک سو آن است که آیا مهاجرت افراد برنامه‌ریزی شده و منظم است یا بی‌برنامه و غیرمنظم، و از سوی دیگر اینکه آیا مهاجرت به‌عنوان یک پدیدهٔ عادی و بهنجار مطرح است یا به‌صورت یک مسئلهٔ مرضی و نابهنجار. گونهٔ دیگر طبقه‌بندی مهاجرت از ویلیام پترسون است که در این مورد پنج نوع مهاجرت اصلی تشخیص می‌دهد: ابتدائی، اجباری، غیراختیاری، اختیاری و جمعی. مهاجرت ابتدائی کوچ سرگردانان مانند شکارگران، گردآورندگان خوراک و شبانکارگان را در برمی‌گیرد؛ مهاجرت اجباری به انتقال یا جابه‌جائی مردم به‌وسیلهٔ دولت اشاره دارد؛ در مهاجرت غیراختیاری، مهاجرت قدرت تصمیم دارند ولی بنا به‌عللی وادار به مهاجرت می‌شوند؛ مهاجرت اختیاری معمولاً به تحرک افرادی که انگیزه یافتن چیزهای تازه، حادثه‌جوئی و بهبود زندگی دارند اطلاق می‌شود؛ و مهاجرت جمعی زمانی صورت می‌گیرد که به شکل یک شیوه و الگوی گروهی باشد.

- زمان مهاجرت:

از این نظر، دو نوع مهاجرت دیده می‌شود: کوتاه مدت (موقت) و بلند مدت (دایمی یا برای مدت زیاد).

- مسافت طی شده:

از این دیدگاه، دو نوع مهاجرت وجود دارد: مهاجرت‌های نزدیک و مهاجرت‌های دور.

از این لحاظ، دو نوع مهاجرت دیده می‌شود: مهاجرت ارادی و خودخواسته که معمولاً به صورت انفرادی برای بهبود زندگی و یافتن کار صورت می‌گیرد، مهاجرت اجباری که به صورت انفرادی یا جمعی به دلیل ضرورت‌های اقتصادی، سیاسی و غیره انجام می‌پذیرد

قلمرو سیاسی: در رابطه با حدود ملی و سیاسی یک کشور به دو نوع مهاجرت برخورد می‌کنیم:

داخلی و خارجی.

‘مهاجرت‌های داخلی’ (migration internal)

(می‌توانند در سه سطح مورد مطالعه قرار گیرند:

شهر به شهر، روستا به شهر و روستا به روستا.

external migration)**(نیز در سه لایه دیده می‌شوند:**

منطقه‌ای، **دورن قاره‌ای و میان قاره‌ای** در مورد یک سرزمین، مهاجرت خارجی یا 'برون مرزی' متضمن عبور از مرزهای آن سرزمین است. هرگاه سرزمین مورد بحث کشور مستقلی باشد، عبور از مرزهای آن را 'مهاجرت بین‌المللی international migration خوانند. مهاجرت در داخل یک کشور، یعنی حرکت از یک قسمت کشور به قسمت دیگر آن را مهاجرت داخلی یا 'درون مرزی' می‌خوانند

در مهاجرت‌های بین‌المللی مهاجران را به چهار گروه عمده تقسیم می‌کنند:

۱. مهاجران دایمی که در شرایط خاص زمانی به برخی از کشورها می‌روند. 'فرار مغزها' (brain drain) یا مهاجرت صاحبان تخصص و علم از این دسته‌اند.

۲. مهاجران در جستجوی کار که عمده‌ترین مهاجران بین‌المللی را تشکیل می‌دهند.

۳. مهاجران غیرقانونی و بدون مجوز که به علت وجود موانع در جهت رفت و آمد مجاز، به این نحو عمل می‌کنند.

۴. آوارگان جنگی و سیاسی و پناهندگان که در شرایط و وضعیت‌های وخیم در برخی از کشورها دیده می‌شوند. محل خروج مهاجران را 'مبدأ' departure و محل ورود آن

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

را 'مقصد' Destination مهاجرت گویند. مهاجرت 'برون کوچی' مهاجرت کردن از داخل به خارج از کشور Emigration 'درون کوچی' از خارج به داخل کشور

Immigration و منطقه مبدأ مهاجرت را 'مهاجر فرست' و مقصد آن را 'مهاجر پذیر' می‌نامند.

۱- از نظر برنامه‌ریزی	۱- عادی و طبیعی و با برنامه
۲- از نظر تعداد افراد	۲- بیرویه و کنترل نشده
۳- از نظر زمان مهاجرت	۱- فردی
۴- از نظر مسافت طی شده	۲- جمعی و خانوادگی
۵- از نظر خواست مهاجرین	۱- موقت و کوتاه مدت
	۲- دائم و بلند مدت
	۱- نزدیک
	۲- دور
	۱- ارادی
	۲- اجباری
۶- از نظر قلمرو و سیاسی	۱- داخلی
	۲- خارجی
	۱- شهر به شهر
	۲- روستا به شهر
	۳- روستا به روستا
	۱- منطقه‌ای
	۲- درون قاره‌ای
	۳- میان قاره‌ای

ویژگی‌های مهاجرت

مطالعات مهاجرتی حاکی از آن است که هر یک از انواع مهاجرت در عین مغایرت با گونه‌های دیگر، از منطقه‌ای به منطقه دیگر نیز متفاوت است. با توجه به این ویژگی‌ها است که ضرورت

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

بررسی‌های مهاجرتی در 'مناطق همگون' احساس و توصیه می‌شود. از آنجا که از میان انواع مختلف مهاجرت، در کشور ما نوع روستا - شهری مهاجرت‌های درون مرزی اهمیت بیشتری دارد، برخی از ویژگی‌های مهاجرت عبارت است از: نخستین ویژگی مهاجرتی روستائی ایران 'مردگزینی' آن است، یعنی بیشترین تعداد مهاجرین را مردان تشکیل می‌دهند. - 'جوان گزینی' خصلت دیگر مهاجرت‌های ایران است زیرا درصد جوانان در میان مهاجران بیشتر است. - مهاجرت‌های روستا - شهری ایران در ابتدای امر 'مجردگزین' است و متأهلین در میان مهاجران درصد کمتری را به خود اختصاص می‌دهند.

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

-متغیر 'سواد' با مهاجرت همبستگی نزدیکی نشان می‌دهد، به طوری که ۵۷ درصد مهاجران را با سوادان تشکیل می‌دهند.

- مهاجرت‌های ایران، بیشتر به صورت فردی صورت می‌گیرد تا جمعی و به شکل خانوار (۷۵ درصد در برابر ۲۵ درصد).

- از میان مهاجرت‌های روستا - شهری ایران ۳۹ درصد مهاجرت موقت، ۳۷ درصد مهاجرت فصلی و ۲۴ درصد مهاجرت دائم بوده است. بیشتر مهاجرت‌های موقت فردی است و اکثر مهاجرت‌های دائم جمعی.

- اکثریت قریب به اتفاق مهاجران روستائی، همانند کشورهای رو به توسعه دیگر، متوجه چند شهر بزرگ کشور هستند.

- مطالعه نشان می‌دهد که اکثر (۸۰ درصد) حاشیه‌نشینان شهرها را مهاجران روستائی تشکیل می‌دهند.

- مستعدترین گروه مهاجران از لحاظ تصمیم‌گیری به مهاجرت، خوش‌نشینان روستائی هستند (۸۸ درصد).

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

- از میان مهاجرانی که منشاء دهقانی دارند، ۹۰ درصد از دهقانان تهیدست، ۵۰ درصد از دهقانان خرده پا و یک درصد از دهقانان توانگر هستند.

بیشترین درصد علت‌های مهاجرتی را عوامل اقتصادی به خود اختصاص می‌دهند (حدود سه‌چهارم) و از میان آنها کار و کار بهتر مهم‌ترین هدف مهاجران روستائی است (۵۵ درصد).

- درصد بالائی از مهاجران (۳۲ درصد) در مقصد مهاجرت به کارهای ساده و مشاغل کاذب مشغول می‌شوند.

- در بسیاری از موارد، وجود امکانات زیستی، بهداشتی، آموزشی و رفاهی و همچنین تسهیلاتی مانند راه، با میزان مهاجرت (بروه کوچی) مردم رابطهٔ معکوس نشان می‌دهد

پناهندگی

پناهندگی نوعی از مهاجرت خارجی است که عوامل دافعه در مبدأ؛ مردم را مجبور به نقل مکان می‌کند. به‌عنوان نمونه، تشکیل دولت اسرائیل زمینه ساز پناهندگی بسیاری از فلسطینی‌ها به اردن، مصر، سوریه و لبنان شد. حمله شوروی به افغانستان و جنگ‌های داخلی در آن کشور، باعث پناهندگی افغان‌ها به ایران و

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

پاکستان گردید. خشک‌سالی، قحطی و جنگ‌های داخلی باعث پناهندگی سکنه اتیوپی به کشورهای مجاور شد.

مهاجرت داخل

مهاجرت داخلی، جابه‌جایی بین نواحی داخلی یک کشور است. این گونه از مهاجرت به دو بخش زیر تقسیم می‌شود:

مهاجرت روزانه: حرکت روزانه مردم از حومه‌ها و شهرک‌های اطراف به داخل شهرهای بزرگ برای رفتن به محل کار یا استفاده از خدمات داخل شهرها مهاجرت داخلی است که به آن مهاجرت روزانه گفته می‌شود. در این نوع مهاجرت مردم در شب به محل سکونت خود بازمی‌گردند

مهاجرت فصلی: حرکت کوچ‌نشینان و جابه‌جایی کارگران از شهرها به روستاها در فصل میوه‌چینی، نوع دیگری از مهاجرت داخلی است.

علل مهاجرت تئوریهای سنتی مهاجرت بین موارد «عوامل رانده شدن» و عوامل جذب و کشش «تفاوت و تمایز قائل می‌شوند که عوامل راندن و رانده شدن در وهله اول به تحریک و انگیزش افراد برای مهاجرت از کشور مبدأ باعث می‌شود. این موارد مانند مهاجرت اقتصادی یا کاری (معمولاً مهاجرت نیروی کار)، تفاوت‌هایی در میزان و سطح دستمزدها عوامل مهم و تعیین‌کننده هستند. افراد فقیر از کشورهای کمتر

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

توسعه یافته یا در حال رشد» می‌توانند "استانداردهای بالای زندگی در کشورهای توسعه یافته بیش از کشور اصلی خود داشته باشند. فرار از فقر و نداری یک عامل سنتی رانده شدن، فراهم و موجود بودن استخدام |شغل به عامل جذب‌کنندگی و کشش مربوط می‌شود. مهاجران می‌خواهند که مبالغی به افراد خانواده و فامیل خود بفرستند. بلایای طبیعی می‌تواند جریان مهاجرت ناشی از فقر و نداری را شدت بخشد. این نوع از مهاجرت ممکن است در کشور مقصد مهاجرت غیرقانونی باشد (مهاجرت از این نوع می‌تواند در بعضی از کشورها غیرقانونی تلقی شود ولی یک مورد خلاف نمی‌باشد). مهاجرت به کشورهای دیگر بعضی وقتها در شکل کنترات و قرارداد استخدام می‌باشد: کارمندان اتحادیه‌های چند ملیتی، بین‌المللی تشکیلات غیر دولتی و سرویس‌های دیپلماتیک می‌توانند در مناطق و کشورهای فرادریایی کار کنند. آن‌ها اغلب به‌عنوان «افراد مقیم خارج» ملاحظه می‌شوند و شرایط آن‌ها برای استخدام همانند یا بهتر از افراد بومی است که در کشور میزبان برای کار (برای کار مشابه) درخواست می‌کنند. برای بعضی از مهاجران، آموزش یک عامل جذب و کشش اولیه (توجه کنید که دانشجویان با ویزای محدود اغلب به‌عنوان مهاجران تعریف نمی‌شوند. مهاجران) بازنشسته از کشورهای ثروتمند به کشورهای با هزینه‌های پایین با آب و هوای بهتر و مناسب‌تر، نیز نوع جدیدی از مهاجرت بین‌المللی است. یک مثال از مهاجرت به شهروندان بازنشسته بریتانیایی | انگلیسی به اسپانیا است. بعضی از مهاجران علائق خود را به اقامت در کشوری با دلایل مربوط به فرهنگ یا بهداشت

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

تعیین می‌کنند، که افراد جوان از کشورهای توسعه یافته و پیشرفته برای ابراز علایق و عقاید خود و بیان آن‌ها در مقابل مؤسسات یا بخاطر احتیاجات و نیازهای خود مستقیماً به محیط‌های فرهنگی دیگر مهاجرت می‌کنند. عوامل راندن غیر اقتصادی شامل تعقیب (مسائل مذهبی یا موارد دیگر)، گاهی سوء استفاده، زورگویی و ارعاب، تصفیه نژادی و حتی قتل عام بخاطر افراط‌گرایی و رادیکالیسم و در خطر بودن افراد غیرنظامی در حین جنگ، حرکت‌های سیاسی که به‌طور سنتی هجوم پناهندگان را برای فرار از دیکتاتورسم برای مثال می‌باشند. بعضی مهاجرت‌ها بخاطر دلایل شخصی هست، براساس روابط بین اشخاص | روابط فی‌مابین (برای مثال بودن با خانواده یا رسیدن به شخص مورد علاقه). در موارد کمی، یک نفر به کشور جدیدی در فرم انتقال وطن پرستی دوری و فرار از دادگاه کیفری (برای مثال اجتناب از بازداشت که (یک مورد منفی) برای حرکت و اقدام شخصی است.

موانع مهاجرت موانع مهاجرت فقط مسائل قانونی نیستند بلکه موارد طبیعی هم خیلی نیرومند هستند. مهاجران هنگام ترک کشور شان باید خیلی چیزهای مورد علاقه را از قبیل: خانواده، دوستان، شبکه حمایتی، و فرهنگ خود را هم ترک گویند. آن‌ها هم‌چنین باید دارایی‌های خود را به مقدار زیاد به پول نقد تبدیل کنند که خرج مسافرت و مهاجرت خود را تأمین کنند. وقتی که آن‌ها به کشور جدید می‌رسند با خیلی چیزهای غیرمطمئن و پیش‌بینی نشده مانند پیدا کردن کار، محلی برای زندگی کردن، قوانین جدید، الگوهای فرهنگی جدید، زبان جدید یا مسائل مربوط به لهجه زبانی، احتمالاً فاشیسم و نژادگرایی و سایر رفتارهای مخالف خود و خانواده خود مواجه می‌شوند. این موانع مهاجرت

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

بین‌المللی را محدود می‌کنند، سناریوهایی دربارهٔ مهاجرت جمعیت به «به‌صورت انبوه» به قاره‌های دیگر، ایجاد و افزایش مشکلات جمعیت انبوه، و مشکلاتی ایجاد شده توسط آن‌ها برای سرویس‌ها و ساختار داخلی جامعه جدید و این محدودیت‌های اسکان و ناتوالیسم موانعی در سر راه مهاجرت بیشتر می‌باشند.

مزایای مهاجرت

شاید بیشتر تعجب کنید اگر بدانید بر طبق آخرین گزارش‌ها برنامه توسعه سازمان ملل متحد مهاجرت به نفع کشورهای فقیر نیز می‌باشد. همانند آنچه که در بازار آزاد جهانی وجود دارد این‌طور به‌نظر می‌رسد که نیروی کار مازاد کشورهای خود را که تقاضا برای آن‌ها کم است ترک کرده و به کشورهای می‌روند که تقاضا برای آن‌ها زیاد است. مهاجرت‌های بین‌المللی منجر به کسب مهارت و آموزش می‌شود. مزایای مهاجرت برای کشورهای مثل کانادا که نرخ تولد در آن پایین است به وضوح قابل مشاهده است. طبیعی است که کشورهای فقیر تمایلی به از دست دادن نیروهای متخصص ندارند؛ اما راه حل این مشکل این نیست که نیروی کار آماده در جایی باشد که به کار گرفته نشود یا محروم از کار کردن باشد در واقع شواهدی موجود است که مهاجرت‌های این‌چنینی موجب مساعدت به کشورهای فقیر است

قوانین مهاجرت اگرچه آزادی حرکت و کوچ اغلب به‌عنوان حقوق فردی شناخته می‌شود،

ولی این آزادی حرکت و کوچ در داخل مرزهای یک کشور و ملت است: توسط جایگزینی یا با حقوق قانونی بشری تضمین می‌شود. به‌علاوه، این آزادی اغلب منحصر به شهروندان آن کشور است و افراد دیگر را دربر نمی‌گیرد. امروزه هیچ کشوری آزادی کامل برای رفت‌وآمد و

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

کوچ کردن را فراتر از مرزهای خود نمی‌دهد و قوانین حقوق بشر بین‌المللی اجازه داخل شدن به مرزهای کشور دیگر را نمی‌دهد. بر طبق ماده ۱۳ اعلامیه بین‌المللی حقوق بشر شهروندان نبایستی ممانعتی در ترک کشور خود داشته باشند. اینجا قوانین مشابهی دربارهٔ ورود افراد غیر شهروند وجود ندارد. آن‌هایی که تمایز و تفاوت در زمینه‌های قانونی را رد می‌کنند، می‌گویند که آزادی رفت‌وآمد هم در داخل یک کشور و هم میان کشورهای مختلف یک حق بشری مهم و اساسی است، و سیاست‌های محدودکننده مهاجرت، اگر کشورها و دولتهایی این حق آزادی رفت‌وآمد و کوچ کردن را رد کنند در حقیقت حقوق و آزادی بشریت را رد کرده‌اند. اینجا توجه به این نکته لازم است که آزادی برای حق ورود، به خودی خود برای مهاجران، کار، مسکن، مراقبت بهداشتی یا شهروندی و اقامت را تضمین نمی‌کند. مواقعی که مهاجرت اجازه داده می‌شود عمدتاً انتخابی است. اصول و قواعد انتخابی بودن، مانند سیاست سفید استرالیا به‌طور تدریجی از بین رفته‌است، اما اولویت به افراد تحصیل کرده، ماهر و ثروتمند داده می‌شود. افرادی که امتیازات کمتری دارند، شامل توده افراد فقیر در کشورهای کم‌درآمد می‌باشند که نمی‌توانند از این فرصت‌های مهاجرت استفاده کنند. این عدم واجدیت در برخورد با اصول و قواعد فرصت‌های برابر مورد انتقاد قرار گرفته‌است، که (حداقل از لحاظ تئوری) در کشورها و ملت‌های دموکراتیک صدق می‌کند. حقیقت اینست که در ورود برای افراد غیر ماهر بسته‌است، در حالی که در همین حال در کشورهای خیلی توسعه یافته تقاضای بسیار زیادی برای نیروی کار غیر ماهر دارند، و عامل مهم و عمده مهاجرت غیرقانونی می‌باشد. طبیعت و وضعیت متضاد این سیاست - مخصوصاً مشکلات مهاجران غیرماهر

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

هنگام استفاده از نیروی کار - همچنین در زمینه‌های اصول و قواعد مورد انتقاد قرار گرفته‌است. سیاستهای مهاجرت که به‌طور انتخابی آزادی مهاجرت را تضمین می‌کنند، برای افراد مورد نظر دسترسی به شبکه اقتصادی را در کشور میزبان فراهم می‌کنند. معنی دیگر این مسئله، ضرورتی خالص برای منابع ملی و نیروی کارآمد کشورهای فقیر با از دست دادن اقلیت تحصیل کرده و کارآمد، می‌باشد یا فرار مغزها می‌باشد. این مسئله همچنین باعث کاهش عدم واجدیت بین‌المللی در استانداردهای زندگی می‌شود، که تحرک و تشویق برای افراد ایجاد می‌کند که به اولین محل مهاجرت کنند. یک مثال در این مورد «رقابت نیروی کار ماهر» در استخدام کارکنان بهداشتی کشورهای جهان سوم توسط کشورهای جهان اول است.

فرار مغزها به پدیده مهاجرت گسترده تحصیل‌کردگان، دانشگاهیان و دانشمندان یک کشور یا جامعه به کشورهای دیگر، اصطلاحاً فرار مغزها گفته می‌شود، که معمولاً به خاطر کمبود موقعیت‌های شغلی، درگیری‌های سیاسی و نظامی، و خطرات جانی رخ می‌دهد. پناهجو یا پناهنده برپایهٔ کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگان شهروندی است که برای فرار یا ترس از آزارواذیت نژادی، مذهبی، قومی و ملیتی یا برای عضویت در یک گروه اجتماعی خاص یا داشتن عقاید سیاسی اقلیتی، توانایی به‌دست آوردن پناهگاهی امن در کشور خود را ندارد یا کسی که دارای تابعیت و ملیت ویژه‌ای نیست یا در بیرون از کشوری که پیشتر در آن بوده به‌سر می‌برد و به‌دلیل ترس از جان، ترجیح می‌دهد به کشوری که پیشتر در آن به‌سر می‌برده، بازنگردد.

شرایط پناهنده

برپایه کنوانسیون پناهندگان، پناهجو کسی است که در کشور خود یا مبدأ به دلیل یکی از دلایل زیر مورد آزار و اذیت جدی قرار گرفته است:

نژاد

مذهب

ملیت

تعلق به یک گروه اجتماعی خاص

داشتن عقاید سیاسی اقلیتی

پناهجویی سیاسی)

پناهندگی سیاسی برپایه ماده چهاردهم از اعلامیه حقوق بشر ژنو، اگر شخصی مورد تعقیب و پیگرد دولت یا یک گروه قرار گرفته باشد، حق پناهندگی را در کشور دیگر دارد؛ بنابراین آن عده از افراد سیاسی که مخالف دولت یا گروهی خاص هستند و مورد پیگرد و تعقیب قرار گرفته و جان آنها در خطر باشد، حق پناهندگی سیاسی را دارند پناهجویی اقتصادی کسانی که صرفاً برای یافتن شغل بهتر و به دست آوردن منافع مالی بیشتر به کشور دیگری بروند و خطر جانی در کشور مبدأ آنان را تهدید نکند، از دسته پناهجویان اقتصادی هستند. هر چند که بیشتر این پناهنده‌ها رد می‌شوند

بی خانمانی

بی خانمان یا بی سرپناه به کسانی گفته می شود که خانه و سرپناهی دائمی برای زندگی و آسایش ندارند. افراد بی خانمان اغلب از داشتن و حفظ مسکن مناسب، امن، ایمن و متعارف محروم اند تعریف قانونی بی خانمانی در کشورهای مختلف یا در حوزه های قضایی یک کشور واحد متفاوت است^۱واژه بی خانمان را می توان در مورد افرادی به کار برد که اقامت شبانه آنها به یکی از این شکل ها ست: پناهگاه بی خانمان ها، خانه امن در برابر خشونت خانگی، اقامت بلندمدت در مسافر خانه، خودرو، املاک تصرف شده، جعبه های مقوایی، شهرک های مملو از چادر، سرپناه های برزنتی ساخته شده از مواد دورریختنی یا هر شکل دیگری از مسکن سرهم بندی شده. دولت ایالات متحده در سر شماری بی خانمان ها این گروه را هم جزء بی خانمان ها در نظر می گیرد: افرادی که در مکان های عمومی یا خصوصی ای می خوابند که برای کاربری ای غیر از خوابیدن متعارف انسان ها طراحی شده است در ایران بی خانمانی تعریف قانونی مشخصی ندارد و به واسطه پیوند آن با تکدی گری جرم محسوب می شود. تنها قانون بالادستی موجود در زمینه بی خانمانی مصوبه شورای عالی اداری با عنوان «طرح شناسایی و جمع آوری افراد متکدی» است که در اردیبهشت ۱۳۷۸ تصویب شده و هدف آن «اصلاح ساختار و ایجاد هماهنگی در فعالیت دستگاه های اجرایی و ارتقاء کارایی و بهبود روش های مربوط به مبارزه با تکدی و جمع آوری، شناسایی و تعیین وضعیت افراد بی سرپرست، گمشده، متواری، در راه مانده و موارد مشابه و همچنین تنظیم وظایف دستگاه های عمومی و دولتی» ذکر شده است. افراد مشمول مصوبه عبارت اند از «افراد معلول

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

و ناتوان (اعم از جسمی و ذهنی)، بی سرپرست، مجهول الهویه، در راه مانده، گمشده، متواری، افراد نیازمند غیر حرفه‌ای، متکدیان و ولگردان حرفه‌ای «نگاهی به سیاست‌های مبارزه با بی‌خانمانی در ایران. بر اساس این قانون هر شکلی از زندگی خیابانی جرم است و افراد فوق بعد از گردآوری و غربال‌گری در اردوگاه‌های مخصوص این امر، یا (در مورد معلولان و افراد ناتوان ذهنی) به مراکز نگهداری بهزیستی ارجاع می‌شوند و یا به علت ارتکاب جرم حداقل به مدت ۳ ماه با حکم قاضی مجبور به اقامت شبانه‌روزی در اردوگاه (سامان‌سرا) می‌شوند.

برخی از دلایل بی‌خانمان شدن

خلع‌ید- در بسیازی از کشورها افراد به دستور دولت خانه‌شان را از دست می‌دهند. این کار برای ایجاد فضای مناسب برای برج‌سازی، راه‌سازی یا تأمین سایر نیازهای دولت‌ها صورت می‌گیرد. غرامت‌های معمولاً حداقلی است و کفاف خرید خانه جدید را نمی‌دهد و از همین روی ساکنین این خانه‌های بی‌سرپناه می‌شوند. اعیان‌سازی-فرایندی که طی آن یک محله به محل سکونت ساکنین مرفه‌تر تبدیل می‌شود و ساکنین فقیر قبلی نمی‌توانند از پس هزینه‌های سکونت در محل بر بیایند. ضعف در دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی ضعف در دسترسی به مسکن مقرون به صرفه زندگی با نقص جسمانی خصوصاً در مواردی که خدمات به معلولین وجود ندارد یا کافی نیست. زندگی با اختلال روانی خصوصاً در شرایطی که خدمات سلامت روان در دسترس نیست یا دسترسی به آن دشوار است. بیکاری و نداشتن پول برای خرید یا اجاره خانه اعتیاد و در نتیجه از کار افتادن و رانده شدن به حاشیه بدهکاری‌های سنگین در رابطه با وام مسکن وعدم توان بازپرداخت وام. ورشکستگی

{ناهید خوشنویس} {به نام حق} {فرهنگ عمومی}

یا مال باختن کسبه و بازرگانان افزایش بی‌رویه و بی‌کنترل جمعیت وقوع جنگ و نابودی شمار بسیاری از خانه‌ها رخدادهای طبیعی مانند: زمین لرزه، سیل، توفان، فوران آتش‌فشانها و آتش‌سوزی

بی‌خانمانی در ایران

بی‌خانمانی و زندگی در خیابان بر اساس مصوبه شورای عالی اداری در سال ۱۳۷۸ جرم محسوب می‌شود. اگرچه این مصوبه مشخصاً تکدی‌گری را هدف قرار داده است با این حال به واسطه فقدان قانون مشخص در مورد خیابان‌خواب‌ها عمدتاً افرادی که در خیابان می‌خوابند هم به اردوگاه‌های مذکور در این مصوبه منتقل می‌شوند و در صورت عدم مراجعه خانواده‌ها برای بازگرداندن آن‌ها به خانه و در صورت اعتیاد به مواد مخدر مجبور به گذراندن دوره ۳-۶ ماه در این اقامتگاه‌ها هستند.

{موفق باشید}